

درس های آموزشی در
احکام فقهی

مطابق با فتاوی
مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی
سید محمد سعید طباطبائی حکیم مدظله

نگارش
سید ریاض حکیم

چاپ چهارم

۱۳۸۹ هـ ش - ۱۴۳۱ هـ ق

حکیم، ریاض، ۱۹۵۸م -

درس های آموزشی در احکام فقهی مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی سید محمد سعید طباطبائی حکیم (مد ظله) / نگارش سید ریاض حکیم، مترجم ابراهیم سید علوی؛ (برای دفتر آیت الله العظمی حاج سید محمد سعید طباطبائی حکیم (مد ظله). - قم: دار الهملا، ۱۴۳۱ق. = ۲۰۱۰م. = ۱۳۸۹ش.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص، جدول (درس های در فرهنگ اسلامی؛ ۲)

شابک: ۱۰۰۰۰ ریال ۱-۶۷-۸۲۷۶-۹۶۴-۹۷۸ ISBN:

وضعیت فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

عنوان اصلی: دروس منهجیة فی الفقه الإسلامی

کتابنامه به صورت زیر نویس / چاپ چهارم.

موضوع: ۱ - فقه جعفری - رساله عملیه. ۲ - فتوای شیعه - قرن ۱۴. الف. سید

علوی، ابراهیم، مترجم. ب - دفتر حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد سعید

طباطبائی حکیم. ج - عنوان. د. عنوان: دروس منهجیة فی الفقه الإسلامی. فارسی

رده بندی کنگره: ۸ ح/۹/۱۸۳ BP رده بندی دیوی: ۲۹۷ / ۳۴۲۲



نام کتاب:..... درسهای آموزشی در احکام فقهی

تألیف:..... سید ریاض حکیم

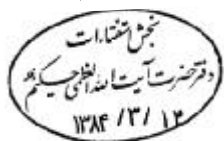
مترجم:..... سید ابراهیم سید علوی

تیراژ:..... ۱۰۰۰۰ نسخه

ISBN:..... ۱-۶۷-۸۲۷۶-۹۶۴-۹۷۸

بسمه تعالی

این کتاب مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی حکیم (مد ظله)
و عمل به آن مجزی و مبرئ ذمه میباشد.



اهداء

به ملیون‌ها پیرو اهل بیت علیهم‌السلام ..

به علما و دانشمندان پارسایی که بی توجه به سختیها و
تهدیدهای جباران و زورگویان، به ارشاد مردم و پاسداری از
لغزش و انحراف امت پرداختند.
به شهیدان..

چه آنان که طاغوت دوران در صحراها و بیابانهای
سرزمین عراق از آنان گورهای دستجمعی پدید آورد...
و چه آنان که اندامهای پاک و مطهرشان در حوضچه‌های اسید
و تیزاب ذوب شد.

و چه آنان که اعضای بدنشان با انواع وسایل مدرن شکنجه
و پاره پاره گشت.

و بقیه‌ی شهدای بزرگوار اسلام و مکتب اهل بیت عصمت
و طهارت علیهم‌السلام در تمامی نقاط جهان.

به کسانی که سالهای متمادی در زندانها و سلولهای
انفرادی و بازداشتگاههای مخوف و ترسناک در برابر جنایتکار
قرن صدّام پلید و دیگر جنایتکاران ایستادگی کردند و خم به ابرو
نیاوردند و ذرهای عقب نشستند.

خوانندگان عزیز:

مسائلی که در کتاب بصورت فتوا نیامده
و (بنا بر احتیاط واجب) ذکر شده است، جهت
انجام آن مقلد دو راه دارد:

(۱) به حکمی که به عنوان احتیاط واجب
بیان شده عمل کند.

(۲) با رعایت - الأعلّم فالأعلّم - به مجتهد
دیگر رجوع نماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس، مخصوص خدا، پروردگار جهانیان است
و سلام و درود بر رسول خدا محمد و خاندان پاکش.

فقه اسلامی یکی از مهمترین عرصه‌های فرهنگ اسلامی
است، چه بسیاری از آیات قرآن و بخش بزرگی از سنت کریمه
به احکام گوناگون فقهی میپردازد و مسلمانان از دیر باز دست به
تألیف کتابهای ارزشمند فقهی، اعم از استدلالی یا فتوایی، زده اند.
البته این کتاب نه در سطح آن کتابها و نوشته‌ها است بلکه
کتابچه‌های است که با هدف توسعه و تعمیم فرهنگ فقه‌ای اسلام
در میان جوانان و نوجوانان به شیوه‌های آسان درباره فقه اسلامی
براساس مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نوشته شده است.

و خصوصیت دیگر این کتاب که آن را از نظایرش متمایز
میسازد، این است که در اوضاع و شرایط بسیار سختی نوشته
شده است. هنگامی که همراه بقیه‌ی اعضاء خانواده در بازداشتگاه

به سر میبردیم و گروهی از ما در همان زمان، همانند هزاران جوان مؤمن و متعهد، که قلبشان برای فرهنگ اسلامی و شناخت احکام فقهی میتپید، به مقام رفیع شهادت رسیدند.

وبا وجود سخت دلی و کنترل شدیدی که از همه سو ما را دربر گرفته بود چرا که هرگونه فرهنگ سازی دینی در حکومت صدام خون خوار برای صدور حکم اعدام کافی بود و نیاز شدید به آموزش مسائل فقهی مرا به تألیف دو کتاب وا داشت که به طور پنهانی نسخه برداری و توزیع شد و در سلول های در بستهی بخش محکومیت های خاص در زندان ابوغریب در غرب بغداد به تدریس آن پرداختیم.

کتاب نخست از آن دو کتاب در یکی از بازرسیهایی که مزدوران رژیم صدام انجام دادند از میان رفت. اما کتاب دوم (همین کتاب) که ساده تر و روان تر برای جوانان و نوجوانان بخشهای مختلف فقهی را بیان می کرد، بطور مخفیانه به بیرون زندان برده شد و از روی آن نسخه برداری و میان جوانان توزیع گردید تا در وضع قساوتبار رژیم سفاک و سختدل صدام، که مراجعه به باقی مانده علماء و طلاب حوزه، ممنوع بود، از آن استفاده و تا حدی نیاز و خلأ موجود را پر نمایند.

پس از سقوط رژیم طاغوتی صدام و پدید آمدن فرصت

مهم شناخت احکام برای پسران و دختران، صلاح دیدم که کتاب را برای چاپ آماده کنم تا پسران و دختران جوان ما بدانند که نسل پیش از آنها چه سختیها کشیدند و چه شرایط دشواری را تحمل و با چه خطرهایی دست و پنجه نرم کردند و باز هم مصمم به شناخت و یادگیری احکام فقهی بوده اند. چه بسا، احساس مسئولیت را در نسل حاضر افزون کند و خدا را شکر گزارند که از طاغوت و رژیمش خلاص شان کرده است.

مسائل این کتاب را براساس فتاوی پدر بزرگوارم (مدّله) تنظیم کردم و اندک نکاتی بر آن افزودهام و آن را «درس های آموزشی در احکام فقهی» نامیدم تا بعد از «درسهای آموزشی در اصول عقاید»، بخش دوم «سلسله درسهای فرهنگ اسلامی» را تشکیل دهد.

از خدای متعال خواستارم آن را برای خویش خالص گرداند و نسل جوان را از آن بهرهمند فرماید.

سید ریاض حکیم

درس یکم:

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾

و بگو پروردگارا بر دانشم بیفزا

اصول دین

اموری که لازم است هر انسانی بدان ایمان داشته باشد اصول دین نامیده می شوند و پنج چیزند: توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد.

۱ - توحید: یعنی خدا یگانه است. و اوست که جهان هستی را با آن چه درون آن است، از زمین، آسمان، خورشید، ماه و انواع حیوانات و دیگر موجودات، را آفریده است.

۲ - عدل: یعنی خدا عادل است و به احدی ستم روا نمی دارد و برای مردمان صالح پاداش، و برای گناهکاران، عذاب فراهم کرده است.

۳ - نبوت: به این معناست که خدا برای هدایت مردم به خیر و نیکی و باز داشتن آنان از کارهای زشت عده‌ای انسانهای صالح و شایسته را مأمور و موظف فرموده که آموزه‌ها و دستورات

او را به بشر برسانند. این انسانهای صالح را پیامبر یا رسول نامند.

و پیامبران بسیارند نخستینشان آدم علیه السلام است. نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام هم از پیامبرانند. و آخرینشان پیامبر ما محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله است که خداوند او را با دین اسلام برانگیخت و هر که به او بگردد و آیین او را بپذیرد مسلمان خوانده می شود.

وما مسلمان هستیم چون به محمد صلی الله علیه و آله و دین او «اسلام» ایمان داریم.

۴ - امامت: یعنی پیامبر خدا محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام را جانشین خود قرار داده تا مردم را در شئون دین و دنیا هدایت و راهنمایی کند و او «امام» نامیده میشود.

دوازده امامی که به جانشینی رسول الله ﷺ تعیین شده اند
بدین ترتیباند:

- ۱ - امام علی بن ابی طالب علیه السلام مدفون در نجف.
- ۲ - امام حسن بن علی علیه السلام. مدفون در مدینه منوره.
- ۳ - امام حسین شهید علیه السلام. مدفون در کربلای مقدس.
- ۴ - امام علی بن حسین علیه السلام. در مدینه منوره مدفون اند.
- ۵ - امام محمد باقر علیه السلام. مدفون در مدینه منوره.
- ۶ - امام جعفر صادق علیه السلام. مدفون در مدینه منوره.
- ۷ - امام موسی کاظم علیه السلام. در بغداد (کاظمیه) دفن شده است.
- ۸ - امام علی الرضا علیه السلام. مدفون در خراسان (مشهد).
- ۹ - امام محمد جواد علیه السلام مدفون در بغداد (کاظمیه).
- ۱۰ - امام علی هادی علیه السلام مدفون در سامراء.
- ۱۱ - امام حسن عسکری علیه السلام مدفون در سامراء.
- ۱۲ - محمد مهدی (عجل الله فرجه) و او در زمان کنونی، امام ما و حجت خدا بر ماست و امام عصر نامیده می شود و هم اکنون زنده است هر چند که از دیدگان ما پنهان باشد و به اراده خداوند ظاهر خواهد شد و عدالت را بر زمین خواهد گسترد.

هر کس به امامت این دوازده تن ایمان داشته باشد شیعه دوازده امامی (اثنا عشری) است. پس ما شیعه اهل بیت علیهم السلام هستیم چون به امامت آنان عقیده و ایمان داریم.

۵- معاد. یعنی خدا مردم را پس از مردنشان، دوباره زنده می کند و در روز قیامت به حساب عملکردهایشان می رسد. صالحان و مطیعان و فرمانبرداران را راهی بهشت میکند و در آن خواستههایشان را بر آورده میسازد و اشرار و گناهکاران را وارد دوزخ کرده و در آن عذاب میدهد.

پس لازم است همگی به فرمان خداوند باشیم و به احکام دینی مثل نماز و روزه و غیر آنها عمل، و به صفات پسندیده مثل راستی، امانتداری و عدالت آراسته باشیم تا خدا از ما راضی و خشنود باشد و در بهشتی که پیامبران و امامان و شهیدان و همه ی صالحان و شایستگان را در آن سکنی داده ما را نیز وارد نماید.

درس دوم:

فروع دین

فروع دین، همان احکام دینی است که بر هر مسلمان واجب است و باید آنها را انجام دهد. و مهمترین آنها ده مورد است:

- ۱ - نماز.
- ۲ - روزه.
- ۳ - حج، زیارت خانه خدا.
- ۴ - خمس.
- ۵ - زکات.
- ۶ - جهاد.
- ۷ - امر به معروف (واجب).
- ۸ - نهی از منکر (حرام).
- ۹ - تولی: یعنی محبت خدا و رسول ﷺ و امامان علیهم السلام پس از او و نیز محبت نسبت به مؤمنان چون مؤمناند.
- ۱۰ - تبری: یعنی دوری از دشمنان خدا اعم از کافران و ستمگران و کسانی که منحرف از راه حق اند.

پرسش‌ها

- ۱ - معنای توحید چیست؟
- ۲ - عدل به چه معنا است؟
- ۳ - پیامبر کیست؟
- ۴ - ده تن از پیامبران را نام ببرید.
- ۵ - نام اولین پیامبر چیست؟ و آخرین کدام است؟
- ۶ - چه کسی علی علیه السلام را به خلافت منصوب کرد؟
- ۷ - امامان را نام ببرید و محل دفن آنان را ذکر کنید.
- ۸ - معنای معاد چیست؟
- ۹ - اصول دین کدام است و چرا آنها را اصول دین نامند.
- ۱۰ - مهمترین فروع دین را که ده تاست نام ببرید.
- ۱۱ - یک مورد که در آن نهی از منکر کرده اید بیان کنید.
- ۱۲ - آیا تاکنون امر به معروف کرده اید؟ یک مورد ذکر کنید.
- ۱۳ - احمد پسری مؤدب و دوست داشتنی است، به نماز

اهمیت می دهد به اندرز پدر مادر توجه می کند، روزی دید که دوستش به مادر خود دروغ می گوید. احمد او را از دروغگویی بازداشت و به وی هشدار داد که دیگر دروغ نگوید و گرند دوستی و رفاقتش را با او قطع خواهد کرد، آیا کار او امر به معروف است یا نهی از منکر؟

۱۴ - معنای تولی و تبری چیست؟

۱۵- ما امام حسین علیه السلام را دوست داریم و دشمن یزید بن معاویه هستیم از این دو عمل، کدام تولی و کدام تبری می باشد؟

درس سوم:

نشانه‌های بلوغ شرعی

بالغ شدن پسران، سه نشانه دارد:

۱ - تکمیل پانزده سال و ورود به شانزده سالگی به تقویم هجری قمری که برابر است با چهارده سال و شش ماه و نیم، به تقویم شمسی.

۲ - محتمل شدن. طوری که در خواب یاد هر حالت دیگر منی از او بیرون آید.

۳ - روییدن موی زبر بر صورت و یا در شرمگاه (عانه).

برای بلوغ پسران پیدا شدن یکی از این سه علامت کافی است و تحقق هر سه لازم نیست. و اگر پسر بچه‌ای ندانسته که بالغ شده است یا نه می‌تواند با بزرگتر خانواده مانند پدر، برادر بزرگتر و امثال آنان، در میان بگذارد تا برایش توضیح دهند.

اما نشانه بلوغ دختران، تکمیل نُه سال است به تاریخ هجری قمری که با هشت سال و هشت ماه و بیست روز شمسی، برابر می‌باشد.

مسئله ۱: هرگاه پسر و یا دختری به حد بلوغ شرعی برسد، دوران کودکی او سپری شده و باید به وظایف و احکام شرعی عمل کند، واجبات را به جا آورد و از محرّمات اجتناب ورزد. اکنون همانند بزرگسالان است که خداوند به حساب اعمالش خواهد رسید، اطاعتش را سپاس خواهد گفت و در روز قیامت، پاداش فراوان به او خواهد داد.

وشایسته است که برخی مستحبات را نیز انجام دهد مثلاً به بینوایان کمک کند، به مسجد و زیارت قبور پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام برود، دعا کند و قرآن بخواند، برخی نافلةها را بجا آورد، تا پاداشش افزون گردد. و اگر نمی داند از دیگران بپرسد تا ثواب این اعمال را از دست ندهد و قبل از هر چیز در مهمی امور به خدا توکل کند و از او یاری بطلبد که او بهترین سرپرست و نیکوترین یاور است.

تقلید و اجتهاد

پیشتر گفتیم که مسلمان باید به فروع دین و احکام اسلام که خدا به انجام دادن آنها امر فرموده متعهد باشد تا خدا از او راضی و خشنود گردد و پس از مرگ، او را وارد بهشت فرماید. لیکن در این جا این سؤال پیش می آید پیامبر صلی الله علیه و آله، که خدا او را به تبلیغ احکام دین اسلام فرستاده، اکنون بیش از ۱۴۰۰ سال است که وفات نموده است پس آن احکام را چگونه بشناسیم؟ ما که فعلاً دسترسی به او صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نداریم.

در پاسخ و حل این مشکل می گوییم: در طول تاریخ دانشمندان و فقیهانی بوده‌اند که سالهای متمادی علوم و دانشهای دینی را خوانده و درس داده‌اند و در آنها تخصص پیدا کرده و به معرفت احکام شرعی رسیده‌اند. که آنان را مجتهد نامند.

پس مجتهد آن دانشمندی است که احکام دینی را به خوبی می شناسد و وظیفه ما است که از او باید پرسیم و به دنبال نظر او باشیم و این تقلید است. تقلید یعنی: انجام دادن احکام بر طبق رأی و نظر مجتهد.

ممکن است برسید که چرا نباید در مسائل شرعی به غیر
مجتهد رجوع کرد؟

پاسخ آن است که جز مجتهد کسی احکام دینی را نمیشناسد.
نه تاجر، نه پزشک و نه هیچ کس دیگر علوم دینی را نخوانده
و در آن تخصص ندارد لذا نمی توان از آنها در این مسائل
پیروی کرد. مثلاً هنگام بیماری به یک پزشک که دانش پزشکی
خوانده و در آن تخصص یافته مراجعه می کنیم و به راهنماییها
و سفارشهای او عمل می نماییم و برای درمان بیماریها جز به
سخنان پزشک گوش نمی دهیم و همین طور در ساختن خانه،
پل و جاده به یک مهندس که علم هندسه خوانده و در آن دانش،
تخصص یافته رجوع می کنیم تا بر کار ما نظارت کند. پس در واقع
ما در تمام مسائل زندگیمان به دانشمند متخصص مراجعه میکنیم
و رجوع به مجتهد در مسایل شرعی، هم از همین باب است.

مسئله ۲: مجتهدی که انسان از او تقلید می کند باید دو
شرط مهم داشته باشد:

اول: در حد بالایی از عدالت باشد یعنی: خود مطیع خدا
و متعهد به احکام دینی باشد.

دوم: در مسائل دینی داناتر از بقیه مجتهدین باشد و هم
چنان که شما در مراجعه به پزشک برای درمان بیماری نزد

داناترین آنها می‌روید همچنین در زمینه احکام دینی هم باید داناترین مجتهد را برگزیده و از او تقلید کنید. و مجتهد داناتر، آن فقیهی است که نسبت به احکام دینی و شرعی شناخت بیشتر و بهتری دارد.

خواننده عزیز ممکن است بپرسد چگونه بشناسیم که این مجتهد از دیگران داناتر است؟

در پاسخ می‌گوییم: در این باره از شخص یا اشخاصی که خود دانشمند و شایسته‌اند سؤال می‌کنیم و بنابر تشخیص آنان از مجتهد داناتر تقلید می‌نماییم. و اگر بعضی از اعضای خانواده و یا برخی دوستان زحمت تحقیق از مجتهد داناتر را بر عهده گرفت، می‌توانی به سخن او اعتماد کنی. به هر حال باید مطمئن باشی که از دانشمند مورد وثوق پرسیده است و گر نه نمی‌توانی به او اعتماد کنی.

پرسش‌ها

- ۱ - مجتهد کیست؟
- ۲ - چرا باید در احکام دینی از مجتهد تقلید کرد؟
- ۳ - دو شرط مهم مرجع تقلید چیست؟ آنها را توضیح دهید.
- ۴ - مجتهد اعلم را چگونه بشناسیم؟
- ۵ - اگر دوست شما گفت فلان مجتهد داناترین (اعلم) است در حالی که او از دانشمند صاحب نظر نپرسیده آیا به سخن او اعتماد می‌کنید یا باید از دیگران نیز پرسید؟

درس چهارم:

نجاسات، ناپاك ها

در زندگی چیزهای کثیف و پلیدی وجود دارد که مسلمان نباید آنها را بخورد و حتی گاهی لازم است آنها را از بین ببرد و به هنگام نماز بدن و جامه‌هایش را از آن بپیراید. این چیزها را نجاسات نامند و ده چیز است.

اول و دوم: بول و مدفوع انسان و هر حیوانی که دارای شرایط زیر باشد:

۱ - به هنگام ذبح، خون او جهنده باشد نه آن که به کندی بتراود.

۲ - آن حیوان حرام گوشت باشد.

۳ - پرندهای باشد که در هوا پرواز نمیکند.

مثلاً: گرگ دارای این سه شرط است چون هنگام ذبح خون جهنده دارد، از نظر اسلام حرام گوشت است در آسمان هم پرواز نمی کند. بنا براین بول و مدفوع آن، نجس است. اما اگر یکی از آن شرایط در حیوانی وجود نداشته باشد

بول و مدفوع آن نجس نخواهد بود مانند ماهی که خون جهنده ندارد، یا گوسفند و گاو که حلال گوشت است، و خفاش و انواع شاهین و باز شکاری که پرواز می کنند، پس بول و مدفوع این سه نوع و نظایرشان که شرایط سه گانه مذکور را ندارند، پاک است^(۱).

مسئله ۳: اگر نتوانیم تشخیص دهیم که حیوانی این سه شرط را دارد یا نه، بول و مدفوعش پاک است.

سوم: سومین از نجاسات منی انسان و هر حیوانی است که هنگام ذبح خون از او جهنده باشد و حلال گوشت نباشد.
چهارم: مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد. بنابر این اگر لاشه گوسفندی را یافتیم که ذبح شرعی نشده، و یا کافر او را ذبح کرده باشد نجس است.

مسئله ۴: مردار هر حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است مثل انواع حشرات، ماهی، قورباغهها. مردار حیوانی که ندانیم هنگام ذبح خون او میجهد یا نه پاک است.

(۱) حیواناتی که حرام گوشتانند و خون جهنده ندارند اما گوشت دارند از این قاعده استثنا می شوند. مثل لاک پشت. و بنابر احتیاط و اجب بول چنین حیواناتی نجس و اما مدفوعشان محکوم به طهارت است ولی همهی فضولات حیوانات بیگوشت، مانند سوسک، پاک است.

مسئله ۵: گوشتها و چرمهای موجود در بازار کشورهای اسلامی را می توان برای خوردن و پوشیدن در نماز، استفاده کرد به شرطی که یقین نداشته باشیم که ذبح کننده آنها کافر بوده است. و نیز اگر از کشورهای کافر وارد شود اما فروشندگانش مسلمان باشد که به احکام دین پایبند است. حتی اگر فقط بدانیم که فروشنده به مسئله ی ذبح شرعی پایبند است.

مسئله ۶: اگر ندانیم که گوشت و پوستها و چرمهای موجود در کشورهای اسلامی داخلی اند یا وارداتی، پاکاند و آنها را میتوان خورد و یا در نماز بر تن کرد. چرمهای مصنوعی ساخت کشورهای اسلامی نیز پاک است.

درس پنجم:

پنجم: خون انسان و هر حیوانی که هنگام سربریدن از رگهایش خون بجهد. مثل گوسفند و پرنده. اما خون حیوانهایی که خون جهنده ندارند، مانند ماهی، قورباغه، حشرات مثل پشه و مگس، پاک است.

مسئله ۷: هرگاه بر تن و یا جامه‌ی خود خونی دیدیم و ندانستیم که از خودمان است یا از حشره، پاک است.

مسئله ۸: خونی که در میان تخم مرغ و پرده نازک آن هست پاک است لیکن بنابر احتیاط واجب، خوردن آن حرام است.

مسئله ۹: خونی که هنگام سربریدن از حیوان بیرون می‌آید و جاری می‌شود، نجس است، اما آن چه پس از ذبح در درون بدن حیوان باقی می‌ماند پاک است. بنابر این اگر گردن و موضع ذبح را آب بکشند و کارد را هم تطهیر کنند و سپس با آن، گوشت را قطعه قطعه نمایند خونی که بیرون می‌آید پاک است.

مسئله ۱۰: خونی که از دمل و زخم چرکین بیرون می‌آید، نجس است لیکن زرد آبی که از آنها بیرون می‌تراود و یقین نداریم که آمیخته به خون است، پاک است.

مسئله ۱۱: اسپری و الکل صنعتی که در ساختن عطر وادکلن و برخی داروها به کار می رود اگر طبیعتاً مایع مست کننده باشد، نجس است. لیکن اگر جامد مست کننده باشد چه جامد بماند چه تغییر کند و مایع شود، پاک است ولی خوردنش، بدلیل مست کنندگی، حرام است. و اگر اصلاً ندانیم جامد است یا مایع، به طهارت و پاکی آنها حکم می کنیم. اگر چه بهتر است از آنها اجتناب شود زیرا چه بسا ممکن است در آینده معلوم شود که اصل آنها مایع مست کننده است.

ششم و هفتم: سگ و خوک (خشکی) و هم چنین عرقی که از تنشان بیرون میآید و آب دهان و موی بدنشان نیز نجس است. سگ و خوک دریایی پاکاند.

هشتم: شراب و هر نوشیدنی مست کننده، مثل ویسکی، آبجو، که خوردنش نزد فاسقان و بدکاران رایج است.

نهم. کافر نجس است. اما زردشتیان، یهودیان و مسیحیان بنا بر احتیاط واجب پاکند.

دهم: عرق شتر نجاست خوار یعنی شتری که از مدفوع انسان تغذیه کرده باشد نجس است.

درس ششم:

در صورت بر خورد هر چیز با رطوبت با یکی از این نجاسات دهگانه نجس می شود. اما اگر خشک باشد، نجس نمی شود. پس اگر دست خشک شما به خونی که خشک است، بخورد و یا اگر با کافری دست دادی و دست او مرطوب نبود، دست شما نجس نمی شود و پاک می ماند، و این قاعده مشهور است که بر خورد خشک با خشک نجس نمی کند.

مسئله ۱۲: اگر در آب قلیل و هر مایع، مثل شربت و روغن، نجاستی هر چند اندک، افتد موجب نجاست همه میشود. لیکن در جامدات مثل چوب یا روغن جامد یا پنیر، فقط آن قسمتی که نجاست در آن افتاده نجس می شود. پس اگر قطره خونی روی قطعه‌های پنیر مثلاً بچکد تنها جایی که خون در آن افتاده آلوده میشود و میتوان آن قسمت را پاک و باقی را مصرف کرد.

مسئله ۱۳: انواع روغن، عسل، داروها و دیگر مواد وارداتی، جز گوشت و پوست و چرم، که از کشورهای غیر اسلامی وارد میشود پاک و خوردن آن جایز است. مگر آن که از نجاست آن مطمئن باشیم.

مسئله ۱۴: خوردن و نوشیدن نجس و هر چه به یکی از نجاسات آلوده شده، جایز نیست. مثلاً اگر قطره ای خون در

ظرف آب یا آبگوشت بچکد تا وقتی نجس باشد نمی توان آن را خورد.

مسئله ۱۵: نجس کردن مسجد، جایز نیست. و اگر نجس شد باید آن را تطهیر کرد. مثلاً اگر قطره‌های خون در مسجد چکید واجب است آن را بشوییم و پاک کنیم و اگر خود نتوانستیم باید شخص دیگری را آگاه سازیم تا آن را پاک کند.

تذکر: خود نجاسات دهگانه (که ذاتاً نجس اند) به هیچ وجه، تطهیر نمی شوند. اما غیر از آنها را در صورت نجس شدن می توان شست و پاک کرد. مثلاً اگر دست شما، یا زمین، یا جامه و... آلوده شد می توان آن را پاک کرد. اما باید دانست که چه چیزهایی پاک کننده (مطهر) اند و شیوه تطهیر چگونه است که آن را در درس آینده می خوانیم.

مطهرات، پاک کننده ها

مطهرات، مواردی هستند که با آنها میتوان اشیای آلوده به نجاست را پاک کرد و ده چیز است:

اول: آب. هر چیزی که نجس شده باشد با ریختن آب روی آن، پاک می شود. قبل از آموزش چگونگی تطهیر با آب باید در مورد انواع آب صحبتی کنیم. آبها چهار نوعاند:

۱ - آب جاری، مانند آب دریا و رودخانه و آب چشمهها و آب نهرها و جویها.

۲ - آب باران، هنگام بارش.

۳ - آب کرّ، و مقدار آن بیست و هفت و جب مکعب است که تقریباً برابر است با (۴۶۴/۱) کیلوگرم. مانند آن چه در آب انبارها و یا چاههای بزرگ جمع می شود.

۴ - آب قلیل، مثل آب موجود در آفتابه یا سطل و امثال آن که از کرّ کمتر است.

درس هفتم:

آب باران و آب جاری و آب کرّ با افتادن نجاست در آن، نجس نمی شود مگر آن که رنگ یا بو یا طعم آن نجس را پیدا کند. پس اگر در یک مخزن آب، خون چکید و حالت آن تغییر نکرد آن آب پاک می ماند. اما اگر خون زیادی در آن ریخت طوری که رنگش قرمز شود یا به سرخی گرایید آب آن مخزن هر چقدر هم که باشد، نجس می شود و نمی توان آن را خورد یا با آن وضو گرفت. همچنین اگر ادرار در آب راکد بریزد و بوی ادرار بگیرد.

مسئله ۱۶: آب لوله کشی حکم آب کرّ را دارد و اگر آب لوله را در سطل و یا ظرفی باز کردید و قطره‌های خون در آن چکید نجس نمیشود.

مسئله ۱۷: آب قلیل به محض برخورد با نجس، نجس میشود هر چند آن نجاست اندک باشد و حتی اگر هیچ تغییری نکند.

سؤال: اشیاء را چگونه با آب تطهیر کنیم؟

جواب: آب کشیدن و تطهیر چیزهای آلوده به ترتیب ذیل است:

۱ - لباس و پتو و قالی و امثال آن با یک بار شستن با آب جاری یا کرّ یا آب باران پاک میشوند و همین که آب آن را فرا

گیرد پاک می شود. پس اگر آب باران قالی و فرش را فرا گرفت و یا در آب رودخانه فرو رفت پاک می شود. و اگر با آب قلیل شسته شوند و نجاست ادرار باشد جز ادرار پسر شیرخوار با دوبار شستن پاک می شود بدین ترتیب که پس از هر بار شستن آن را فشار دهیم (بچلانیم). اما اگر غیر ادرار باشد یک بار شستن نجاست و فشار دادن کافی است. البته همه اینها بعد از برطرف کردن عین نجاست است.

۲- ظرفهای غذا هم با یک بار شستن زیر آب باران یا آب جاری یا کرّ پاک می شوند. و اگر با آب قلیل شسته شوند پس از برطرف کردن نجاست، آن را سه بار پر از آب کرده و خالی میکنیم.

۳- بقیه چیزها مثل اعضای بدن و زمین و لوازم دیگر مثل چاقو، مسواک و... بعد از برطرف کردن عین نجاست از آنها، یکبار شستن با آب جاری و آب باران و آب کرّ کافی است ولی با آب قلیل اگر آلوده به بول باشند با دو بار و به غیر بول با یکبار شستن، پاک می شوند و کافی است پس از برطرف شدن عین نجاست، آب به طور پیوسته بر آنها ریخته شود.

درس هشتم:

اگر لباس به چیزی غیر از بول، مانند خون، نجس شود و خواستی آن را با یک سطل آب تطهیر کنی، کافی است که لباس را درون سطل خالی شده بیندازی و بعد آب را به اندازه‌های که لباس را کاملاً فرا گیرد روی آن بریزی، بعد لباس را خارج کنی و فشار دهی و آب درون سطل را نیز بیرون بریزی. در این صورت هم لباس و هم سطل پاک شده است. و اگر نجاست بول باشد میتوانی همین کار را دوبار انجام دهی تا لباس پاک شود.

مسئله ۱۸: اگر پسر بچه شیرخواری که هنوز غذا نمیخورد در جامهی خود و یا هر جامهای بول کند یک بار شستن آن با آب قلیل کافی است و فشار دادن آن بنابر احتیاط واجب لازم است.

پاک کننده دوم: زمین. که کف پا و ته کفش را که به هنگام راه رفتن نجس شده‌اند پاک میکند. پس اگر انسان، پا روی نجاست گذاشت سپس بر روی زمین پاک و خشک راه رفت و عین نجاست زایل شد ته کفشش پاک می شود و نیز اگر پابرهنه باشد و پایش به نجاست برخورد کند و روی زمین پاک و خشک راه برود، پاک میشود.

سوم: آفتاب. زمین و هر چیز ثابت بر روی زمین مانند

درب، پنجره، درخت با تابش مستقیم آفتاب خشک شود پاک می‌گردد به شرط آن که قبلاً عین نجاست زایل شده باشد. پس اگر یکی از آنچه گفتیم بر اثر نجاست مرطوب شده باشد و زیر تابش آفتاب خشک شود، پاک می‌شود و لازم نیست روی آن آب بریزیم.

مسئله ۱۹: اگر زمین نجس، خشک باشد، چه نجاست از بول باشد چه از غیر آن، کافی است که بر جای نجس آب بریزیم تا خیس شود و سپس تابش آفتاب آن را خشک کند. اما اگر به جای حرارت آفتاب، وزش باد یا هر چیز دیگر آن را خشک کرد زمین نجس باقی میماند.

چهارم: استحاله. یعنی تبدیل شدن نجس به چیز دیگر. مانند آن که آب نجس یا بول بخار شود که در این صورت آن بخار پاک است. هم‌چنین اگر چوب نجس بسوزد خاکسترش پاک است.

پنجم: انقلاب. یعنی شیء از حالی به حال دیگر شود مثل آن که می و شراب، تبدیل به سرکه شود. گفتیم که شراب نجس است و هنگام ساختن سرکه، آب انگور نخست تبدیل به شراب میشود سپس تدریجاً سرکه میشود. با این تحول آب انگور پاک می‌گردد. انقلاب شراب به سرکه همین است.

ششم. انتقال. یعنی جابجایی، مثل انتقال خون نجس به

حشرات. مثلاً خون سگ نجس است و خون حشرات پاک، وقتی مگسی خون سگ را با مکیدن به بدن خود انتقال دهد، آن خون نجس جزء بدن آن مگس میشود و پاک است اما پیش از ورود به بدن حشره و در حال مکیدن پاک نیست و اگر مگس را در حال مکیدن خون سگ کشتید، آن خون نجس میباشد.

هفتم. اسلام. کافر با مسلمان شدن پاک می شود و لازم نیست خود یا لباسش را آب بکشد. اما اگر در آن حال جنب بوده یا زن حیض بوده باید غسل جنابت یا حیض به جا بیاورد.

درس نهم:

هشتم. تبعیت: فرزند کافر، بنا بر احتیاط واجب، هم چون پدرش نجس است. هنگامی که کافر مسلمان شود در پی او فرزندان کوچکش نیز پاک میشوند. تبعیت، بخشهایی دارد که در کتابهای مفصل فقهی ذکر میشود.

نهم. از بین رفتن عین نجاست: که فقط در دو حالت پاک کننده است:

۱- جسم حیوان: وقتی که مرغی چیز نجس بخورد و منقارش به نجاست آلوده شود، منقار با از بین رفتن نجاست پاک می شود و به تطهیر با آب، نیازی ندارد.

۲- درون بدن انسان: پس اگر از دهان، گوش و یا بینی او خون آمد آنها با زوال خون، پاک می شوند و نیازی نیست که فضای دهان و داخل گوش و بینی را آب بکشیم. بلی اگر لبها آلوده به خون شدند باید تطهیر کرد چون عضو بیرونیاند نه عضو درونی.

دهم. غیبت: اگر بدانی که ظرف یکی از دوستان، که به مسائل دینی پایبند است، نجس شده و بدانی که او هم از نجاست ظرف اطلاع دارد و بعد از مدتی بینی که او از آن ظرف استفاده می کند، لازم نیست از او بپرسی که آیا ظرفش را آب کشیده یا نه؛ زیرا انسان با ایمانی است و از وظیفهی خود آگاهی دارد.

تذکر:

لازم است انسان به هنگام بول و قضای حاجت جای پوشیده و محفوظی را، مانند سرویسهای بهداشتی، انتخاب کند و جایز نیست آشکارا و جلوی مردم انجام دهد.

مسئله ۲۰: تطهیر مخرج بول، با آب جاری، کرّ یا شیر آب یکبار کافی است و با آب قلیل مثل آب افتابه، دو بار لازم است. اما مخرج مدفوع، به شرط از بین رفتن عین نجاست یکبار شستن کفایت می کند و نیز می توان محل را باسه قطعه پارچه، دستمال کاغذی و امثال آنها که عین نجاست زایل شود، پاک کرد بدون آن که نیازی به استفاده از آب باشد.

مسئله ۲۱: آبی که برای تطهیر مخرج بول و مدفوع پس از بول و دفع استفاده میشود تا وقتی که عین نجاست در آن دیده نشود، پاک است، و آن را آب استنجا گویند.

مسئله ۲۲: بهتر است مردان پس از بول، مجرا را با کشیدن دست از پایین تا سر مجرا، کاملاً تخلیه کنند. در این صورت اگر بعد از آن مایع مشکوکی از مخرج بول خارج شد پاک خواهد بود این کار را (استبراء از بول) نامند.

پرسش‌ها

- ۱ - مطهرات چند تا است؟
- ۲ - اقسام آب را نام ببرید.
- ۳ - اگر قطره‌های بول در حوضی که کُر است بیفتند آیا حوض را نجس می‌کند؟
- ۴ - هرگاه قطره‌های خون در سطل پر از آب بریزد آیا آب سطل را نجس میکند؟
- ۵ - اگر فرش وقالی به بول نجس شود چگونه میتوان آن را با آب لوله کشی پاک کرد؟
- ۶ - ظرف نجس را چگونه با آب قلیل میتوان پاک کرد؟
- ۷ - اگر جامهای آلوده به بول باشد و شما بنخواهید آن را در سطلی با آب قلیل تطهیر کنید چه میکنید؟
- ۸ - چگونه سطلی را که به غیر بول آلوده است با آب قلیل تطهیر میکنید؟

۹- اگر زمینی آلوده به بول باشد و شما خواستید آن را با آب قلیل تطهیر کنید آیا یکبار جاری شدن آب بر روی آن کافی است یا دوبار لازم است؟

۱۰- در تابستان که گرمای خورشید بسیار زیاد است و تابش آن زمین نجس مرطوب را خشک میکند. آیا زمین با همین تابش آفتاب پاک میشود یا به آب احتیاج است؟

۱۱- کودکی که پدرش نخست کافر بوده و بعد اسلام آورده، با کدام یک از مطهرات پاک میشود؟

۱۲- اگر دندان خود را بکشی و بعد از آلودگی دهان و لبهایت خون قطع شد. برای تطهیر کدام قسمت احتیاج به آب کشیدن دارد و کدام با از بین رفتن عین نجاست پاک می شود؟

۱۳- هرگاه خواستی مخرج بول را پس از ادرار، با آب لوله کشی آب بکشی و تطهیر کنی چند بار باید آب بریزی؟ با آب آفتابه چند بار؟

درس دهم:

وضو

چگونگی وضو

وضو عبارت است از شستن صورت و دستها مسح سر و پاها به قصد وضو نه به قصد نظافت یا چیز دیگر.

اول شستن صورت: صورت را باید از رستنگاه موی سر تا پایین صورت یعنی چانه شست و عرض آن در حالتی که دست کاملاً باز باشد، به اندازه فاصله انگشت بزرگ دست تا انگشت شصت است. و شستن صورت باید از بالا به پایین باشد. و شستن از پایین به بالا یا از راست به چپ جایز نیست.

تذکر: شاید گمان کنید که این چنین دقیق شستن مشکل باشد زیرا خواه ناخواه ممکن است دست انسان کمی بر خلاف جهت حرکت کند. باید توضیح داد برای آن که مشکلی پیش نیاید کافی است که در آغاز شستن صورت نیت کنی که صورتت را از بالا به پایین می شویی. وقتی چنین نیت کردی حرکت جزئی یا ناخودآگاه دست بر خلاف جهت لازم، ضرری به وضویت نمیزند و آن را باطل نمیکند. فقط هر جا اشتباه شد

دوباره دست را از بالا به پایین روی آن بکش.

مسئله ۲۳: شستن درون لبها و قسمت داخلی چشم، و نیز داخل دهان و بینی واجب نیست و شستن بیرون آنها کافی است.

مسئله ۲۴: هر آنچه مانع از رسیدن آب به پوست شود، مثل آنچه هنگام خواب کنار چشم جمع میشود یا سرمه و مواد آرایشی، باید هنگام وضو برطرف شود تا آب به همه‌ی اجزای صورت برسد.

مسئله ۲۵: اگر موی صورت انبوه باشد شستن ظاهر آنها کافی است و لازم نیست زیر آن شسته شود.

دوم: شستن دستها: در وضو باید دست‌ها را از آرنج تا نوک انگشتان، از بالا به پایین شست و حرکتهای جزئی به چپ و راست، با همان توضیحی که در تذکر پیش گفتیم، آسیبی نمیرساند. البته لازم است دست راست پیش از دست چپ شسته شود.

مسئله ۲۶: برخی از مردم قبل از شستن صورت، دستهایشان را آب میکشند و هنگامی که نوبت شستن دستها در وضو میرسد میپندارند که همان شستن و آب کشیدن اول کافی است. در حالی که چنین نیست و باید دستها را از آرنج تا نوک انگشتان دست، شست.

مسئله ۲۷: اگر بر دستها چرک یا چیزی باشد که مانع رسیدن آب وضو به پوست میشود باید آن را برطرف کرد.

مسئله ۲۸: وقتی دست چپ را شستی باید مراقب باشید که کف دست با رطوبت دیگری مخلوط نشود. و همانطور که توضیح خواهیم داد باید با همان رطوبت دستها مسح را انجام دهید.

درس یازدهم:

سوّم مسح سر و پا: بنا بر احتیاط واجب باید با کف دست راست جلوی سر را مسح کرد و حدّ آن بالای سر تا جای رویش مو و پهنای آن بخش موازی پیشانی است و مسح قسمتی از آن، هر چند به اندازه‌ی یک انگشت باشد، کافی است.

و مویی که مسح میشود باید از موی همین قسمت باشد. اما کسی که موی سرش، بسیار بلند است و از قسمت جلوی سر فراتر می‌رود، مثل زنانی که موی سرشان را در جلو جمع میکنند، باید مسح را بر پوست سر بکشند.

مسئله ۲۹: به هنگام مسح سر دست و یا انگشتان را وسط سر میگذاریم و آن را به هر جهتی که خواستیم به حرکت در میآوریم. به طرف صورت یا بر عکس، یا به چپ و راست. و مراقب باش دستت به صورتت نرسد و آب دست با آب صورت آمیخته نشود بلکه همان رطوبت دست را برای مسح پاها استفاده کن.

مسئله ۳۰: موی سر قبل از مسح نباید خیس و مرطوب باشد و گرنه باید آن را خشک کرد مگر آن که رطوبت، بسیار اندک باشد که ضرری ندارد.

چهارم مسح روی پاها: و حد آن هم از نوک انگشتان تا مفصل پا با حد اقل پهنای یک انگشت. البته بهتر است که مسح با تمام کف دست انجام شود به این ترتیب که با رطوبت کف دست راست روی پای راست و با رطوبت کف دست چپ روی پای چپ مسح شود.

مسئله ۳۱: نباید روی پاها چرک یا چیزی باشد که مانع شود آب به پوست یا موی روئیده بر آن برسد.

مسئله ۳۲: نباید روی پاها هنگام مسح خیس باشد.

مسئله ۳۳: کافی است کف دست که با آن سر و پاها را مسح میکشیم مرطوب باشد و لازم نیست که رطوبت پس از مسح روی پاها هم دیده شود.

شرایط و وضو

صحیح بودن وضو، شرایطی دارد که در صورت بر طرف شدن یکی از آنها، وضو باطل میشود. مهمترین این شرایط شش شرط است:

اوّل: آب وضو پاک باشد و به یکی از نجاسات آلوده نباشد.

دوّم: آب غصبی نباشد.

سوّم: اعضای وضو پاک باشد تا آب وضو آلوده نشود و وضو تحقق یابد.

چارم: جایی که در آن وضو می گیرید غصبی نباشد تا قصد قربت تحقق یابد.

پنجم: قصد از وضو تقرب به خدا باشد به این معنا که برای اطاعت امر خدای متعال باشد و نه به قصد دیگر.

تذکر: ای عزیز! مبادا از ترس خانواده وضو بگیری که چنین وضویی باطل است. آنچه باید از او ترسید خداست که نافرمانی عذاب خدا و آتش سخت و جانکاه دزوخ را در پیدارد.

پس وضو باید فقط برای اجرای فرمان خداوند و پرهیز از معصیت او باشد.

ششم: موالات . به این معنا که در هنگام وضو و در شستن اعضا فاصله‌ی زیاد نیفتد. مثل آن که دست خود را بشویی آنگاه مشغول کار و یا بازی شوی به اندازه‌ای که رطوبت عضو شسته شده خشک شود و بعد به شستن عضو دیگر پردازی، چنین وضویی باطل است.

درس دوازدهم:

مبطلات وضو

مهمترین چیزهایی که وضو را باطل میکنند چهار مورد است: بول کردن، خروج مدفوع، خروج باد از شکم و خوابیدن. پس کسی که وضو گرفته و یکی از این چهار مورد از او سرزند وضوی او باطل است و باید برای نماز وضویی دیگر بگیرد.

مسئله ۳۴: اگر انسان نداند که وضو دارد یا نه واجب است برای نماز وضو بگیرد.

مسئله ۳۵: اگر انسان وضو داشته باشد و بعد شک کند که آیا یکی از مبطلات وضو از او سرزده یا نه وضوی سابق صحیح است و به وضوی دوباره نیازی نیست.

مسئله ۳۶: بهتر است انسان همیشه حتی در غیر وقت نماز وضو داشته باشد. و نیکو است که پیش از خواب و قبل از رفتن به رختخواب وضو بگیرد. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: «من بات علی طهر فکانما احیی اللیل»^(۱). هر کس با وضو بخوابد گویا شب زندهداری کرده است.

(۱) محمد بن الحسن الحر العاملی، وسایل الشیعة، ج ۱ باب ۹، استحباب خواب با طهارت.

مسئله ۳۷: در وضو چند چیز مستحب است انجام شوند
یعنی اگر انجام بدهیم خداوند بما ثواب بیشتری میدهد و اگر
انجام ندهیم گناه ندارد و بهتر است برای بدست آوردن ثواب،
آنها را انجام دهیم مثل مضمضه یعنی چرخاندن آب درون
دهان و بیرون ریختن، استنشاق یعنی آب در بینی کردن که
پیش از شروع به وضو هر کدام سه بار. و هم چنین انجام دهیم
مستحب است در شروع به وضو «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوییم
. و هنگامی که صورت خود را میشویم دعایی را که روایت
شده امام علی علیه السلام میخوانده بخوانیم: «اللهم بیض وجهي يوم
تسود الوجوه ولا تسود وجهي يوم تبيض الوجوه» [خدایا روی مرا
در روزی که صورتها سیاه اند، سفید فرما و در روزی که صورتها
سفیدند روی مرا سیاه مگردان.] و موقعی که دست راست خود را
میشویم بگوییم: «اللهم اعطني کتابي بيميني والخلد في الجنان بيساري
وحاسبني حساباً يسيراً» [خدایا نامه عمل مرا به دست راستم و
سند جاودانگی در بهشت را به دست چپم و حساب مرا آسان
فرما.] و نیز هنگام شستن دست چپ بگوید: «اللهم لا تعطني
کتابي بشمالي ولا من وراء ظهري ولا تجعلها مغلولة إلى عنقي واعوذ
بك من مقطعات النيران» [خدایا نامه عمل مرا به دست چپ و یا از
پشت سرم مده و آن را بر گردنم میاویز و به تو از پاره‌های آتش
پناه می برم.] و وقتی که سر را مسح میکشیم بگوییم: «اللهم

غشني برحمتك وبركاتك وعفوك» [خدا مرا زیر پوششش لطف و برکت و بخشایشت قرار بده] و در مسح پاها بگوید: «اللهم ثبتني على الصراط يوم تزل الأقدام واجعل سعبي فيما يرضيك عني» [خدایا در روزی که قدمها میلغزند، قدمهایم را ثابت و استوار بدار و کوشش مرا در چیزی قرار ده که تو را از من خوشنود می سازد].

مسئله ۳۸: لمس کردن و دست زدن شخص بیوضو به نوشتههای قرآن جایز نیست. و لمس کردن آیههای موجود در کتابهای دیگر نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. و دست زدن شخص بی وضو به لفظ جلاله «الله» و دیگر نامهای مخصوص الهی مانند رحمان، باری، قدوس و غیره جایز نمی باشد.

تیمم

موجبات تیمم

تیمم بر کسی واجب می شود که به هر سببی نمی تواند وضو بگیرد و مهمترین آنها سه چیز است.

اول: آب در دسترس انسان نباشد و برای آن که نماز ترک نشود تیمم میکند و نماز میگذارد و تا وقتی که در وقت نماز آب نیافته وظیفه اش همین است.

دوم: آب ضرر داشته باشد چون خداوند متعال نمیخواهد به انسان آسیب برسد و به همین جهت برای مریضی که آب برای او ضرر دارد وسیله آسانتری قرار داده که تیمم است پس اگر آب در طول وقت نماز برای انسان ضرر داشته باشد. باید او تیمم کند و نماز بخواند و نمازش صحیح است.

درس سیزدهم:

سوّم. حالتی است که انسان مقدار کمی آب در اختیار داشته باشد به صورتی که اگر آن آب را برای وضو مصرف کند احتمال آن هست که خود یا مؤمن دیگری در اثر تشنگی جان دهد یا به مشقت بسیار افتد. و خوشنودی خدای سبحان در آسایش و راحتی مؤمن است نه اسیب او پس در این حالت تیمّم را عوض وضو قرار داده است.

مسئله ۳۹: اگر وقت تنگ باشد و فرصت وضو گرفتن و نماز خواندن نباشد، مثلاً صبح نزدیک طلوع آفتاب از خواب بیدار شوی به طوری که بدانی در صورت وضو گرفتن نمازت قضا میشود، باید با تیمّم نماز بخوانی و بعداً قضای آن را با وضو به جا آوری.

شاید بررسی که بر چه چیزی می توان تیمّم کرد؟

جواب آن است که تیمّم را می توان، بر هر آن چه زمین به حساب بیاید و خشک باشد مثل خاک، شن، ماسه، سنگ و مرمر طبیعی و امثال آن، انجام داد. تیمّم بر آجر، سیمان، موزاییک، و گچ نیز جایز است.

مسئله ۴۰: تیمّم بر شیشه، گیاه، خاکستر، آهن، پارچه جایز نیست.

مسئله ۴۱: بر زمین نجس و آلوده حتی اگر خشک هم باشد تیمم جایز نیست. همچنین که بر زمین غصبی که صاحبانش راضی نسیتند در آن تیمم شود نمی توان تیمم کرد. زیرا با توجه به تصرف غاصبانه قصد تقرّب به خدا ممکن نیست پس تیمم در آن صحیح نمیشود.

چگونگی تیمم

عزیزانم تیمم را با دقت یاد بگیرید تا بعداً با مشکلی مواجه نشوید. تیمم بدین صورت است:

- ۱- کف دست را یکبار بر زمین (مثلاً خاک) بزنید. بعد از این کار بهتر است با به هم زدن دستها خاک را از دستانت برطرف کنی.
- ۲- آنگاه تمام پیشانی را از محلّ رویش موی سر تا قسمت پایین پیشانی، مسح کنید به طوری که ابروها و قسمت بالای بینی مسح شود. حرکت دستها فقط باید از بالا به پایین و تمام قسمت مورد نظر را در بر بگیرد و هیچ گونه حرکت عرضی جایز نیست.
- ۳- سپس با کف دست چپ پشت دست راست را از مچ تا سر انگشتان و بعد با کف دست راست روی دست چپ را بهمان ترتیب، مسح می کنید. و این مسح نیز باید از بالا به پایین باشد و انحرافی به راست یا چپ نداشته باشد. تیمم واجب همین است. اما بهتر است یک بار دیگر دستها را بر زمین و بعد به هم زنید و پشت دست راست و سپس پشت دست چپ را به

همان ترتیبی که گذشت مسح کنید.

مسئله ۴۲: تیمم باید به قصد قربت به خدا باشد و لازم است چرک و مانع از مواضع تیمم بر طرف شود و حتی انگشتر را درآورید تا روی دست کاملاً مسح شود.

مسئله ۴۳: کسی که به علت ناتوانی از وضو، تیمم میکند بنابر احتیاط واجب نباید پیش از دخول وقت تیمم کند بلکه باید صبر کند تا وقت نماز داخل شود آنگاه برای نماز تیمم کند. مثلاً قبل از ظهر برای خواندن نماز ظهر تیمم نکند بلکه منتظر بماند تا ظهر شود سپس تیمم کند.

تذکر: اگر بعضی اعضای وضو شکسته یا زخمی باشد و تطهیر آن، ممکن نباشد، مسائلی پیش میآید که باید به کتابهای مفصل فقهی مراجعه شود.

پرسش‌ها

- ۱- آیا جایز است در وضو، صورت و دو دست را بجای شستن از بالا به پایین از پایین به بالا یا از راست به چپ شست؟
- ۲- اگر بانویی موی سرش را جمع کند، می‌تواند بر آن مسح کند؟
- ۳- شرایط صحت وضو را بشمارید.
- ۴- آیا تاکنون در برابر انسان مطلعی آگاه به سائل وضو گرفته‌اید تا در صورت وجود اشتباه شما را متوجه کند؟
- ۵- چه چیزهایی وضو را باطل می‌کند.
- ۶- اگر صبح وضو گرفته و هنگام ظهر ندانستید که آیا آن وضو باقی است یا باطل شده آیا می‌توانید با آن وضو نماز بخوانید یا باید وضوی دیگری بگیرید؟
- ۷- چیزهایی که موجب وجوب تیمم میشود چیست؟
- ۸- آیا میتوان روی سیمان تیمم کرد؟
- ۹- آیا تیمم بدون به هم زدن دستها، پس از زدن بر زمین، صحیح است؟
- ۱۰- چه قسمتهایی از صورت، باید در تیمم مسح شود؟

درس چهاردهم:

نماز

نماز از مهمترین واجبات بر انسان است که لازم است به آن پایبند باشد و بهتر است در اول وقت و با تمام شرایط و با خشوع، ادا شود. در حدیث آمده که نماز ستون دین است اگر پذیرفته شود بقیه اعمال هم پذیرفته می شود و اگر مردود شود دیگر اعمال نیز مردود می شود، و در حدیث از رسول خدا ﷺ آمده که فرمودند: بدانید خدای تعالی به عزت خود سوگند یاد کرده که نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نکند و در روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان میایستند با آتش نترسانندشان.

امام باقر علیهم السلام فرمودند: به نماز خود سهل انگار مباش که رسول خدا ﷺ به هنگام رحلتش فرمود کسی که نمازش را سبک شمارد از من نیست و در حوض، بر من وارد نمیشود. و امام صادق علیهم السلام هم در لحظه‌ی وفاتشان فرمودند: «شفاعت ما به کسی که نماز را سبک شمارد نمی رسد».

حال تصور کنید اگر خدا اعمال ما را نپذیرد و

پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام در حق ما شفاعت نکنند، در روز قیامت به چه کسی باید پناه ببریم؟! و چه کسی ما را از هول آنروز خلاص خواهد کرد؟ آیا به شیاطین پناه ببریم که خود در بدترین عذاب اند و آتش رویشان را سیاه کرده است؟

و اگر سر نوشت کسی که نماز را سبک بشمارد آن باشد پس حال آن کسی که به کلی نماز نمی خواند چه خواهد بود و عذاب او چقدر و چگونه است؟

پس بیایید در کنار هم خود را از خشم و عذاب خداوند برهانیم و به شفاعت پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام پیروز شویم و در روز تشنگی بزرگ از حوض کوثر رسول الله ﷺ بنوشیم.

گام نخست آن است که به خدا توکل کنیم و نسبت به نماز تعهد نشان دهیم و عملاً آن را در اول وقت به جا آوریم و با اصرار و بدان که نماز نمیخوانند و به دنبال کارهای زشت هستند نباشیم و به سخنانشان اعتنا نکنیم، و در آنچه قرآن در فرق میان نمازخوان و آن که نماز نمی خواند، می گوید درنگ کنیم: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ﴾ (المعارج، ۳۴، ۳۵). [و کسانی که بر نمازهایشان مواظبت دارند. اینان در بهشت، گرامیاند]. ﴿فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا

﴿لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ (المدثر: ۴۰ ۴۳) [در بهشت از مجرمان، پرس و جو می کنند که چه چیز شما را راهی دوزخ کرد؟ در پاسخ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم].

حال خود مختارید که در میان کدام گروه باشید. نمازگزاران یا تارکان نماز. بهشتیان یا دوزخیان.

اوقات و تعداد نمازها

در هر شبانه روز به ترتیب زیر پنج نماز واجب است:

۱ - نماز صبح که دو رکعت و وقتش از طلوع فجر است (آغاز نور افقی در مشرق) تا طلوع آفتاب.

۲،۳ - نمازهای ظهر و عصر. و هر یک چهار رکعت است و وقتشان از نیمروز تا غروب آفتاب می باشد. البته باید نماز ظهر را پیش از نماز عصر خواند. و نیمروز را اینگونه می شناسیم مثلاً اگر آفتاب در ساعت هفت و نیم صبح طلوع و ساعت شش بعد از ظهر غروب می کند طول روز یازده ساعت است و نیمروز، با گذشت نیمه اول، یعنی در ساعت دوازده و سی دقیقه تحقق مییابد.

۴ - نماز مغرب که سه رکعت است.

۵ - نماز عشاء (خفتن) که چهار رکعت است و وقتش از غروب آفتاب تا نیمه شب است و بهتر است زودتر از بر طرف شدن سرخی شرقی خوانده نشود. البته نماز مغرب جلوتر از عشاء خوانده می شود و اگر کسی هر دو را فراموش کند باید قبل از طلوع فجر نماز مغرب را به نیت قضا و نماز عشا را به نیت بین ادا و قضا بخواند.

نیمه شب: نصف فاصله غروب آفتاب تا طلوع فجر (آغاز وقت نماز صبح) است.

درس پانزدهم:

لباس نماز گزار

انسان نمی تواند برهنه به نماز ایستد حتی اگر در اتاق تنها باشد و کسی او را نبیند.

بر مردان واجب است عورت خود را بپوشانند و بر بانوان واجب است که در هنگام نماز همه بدن، جز صورت و دستها، را بپوشانند. و اگر نامحرمی او را نمی بیند می تواند پاهایش را نیز نپوشاند.

لباس نمازگزار باید شش شرط داشته باشد:

اول: باید مباح باشد (یعنی غصبی نباشد). پس اگر زنی بداند که چادر نماز و یا جامه‌های او غصبی است، یا مردی بداند که لباسهایش غصبی است، نمازشان باطل است. اما اگر در حین نماز متوجه نباشد که لباسش غصبی است و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است ولی باید آن لباس را برای نماز بعد عوض کند.

دوم: از پوست مردار نباشد. و چرمهای طبیعی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می شود از آن جمله است. حتی بند

ساعت اگر از پوست حیوان ساخته شده باشد و همینطور کمر بند و تمام قطعه های کوچک چرمی که به برخی لباسها دوخته شده است.

سوّم: از اجزاء بدن حیوان حرام گوشت اعم از پوست و کرک و مو و غیره نباشد. پس نماز در جامه های مثل کت یا کاپشن که مثلاً از پوست روباه فراهم شده باشد جایز نیست، حتی اگر به تن یا لباس شما چند رشته موی گربه بچسبد، احتیاط واجب بر طرف کردن آن در هنگام نماز است.

مسئله ۴۴: اگر لباسی چرمی داشته و نمی دانستی که چرم طبیعی است یا نه، می توانی با آن نماز بخوانی زیرا معلوم نیست از پوست حیوان تهیه شده باشد.

چهارم و پنجم: مرد نباید در حال نماز طلا و یا جامه های حریر خالص بپوشد. اما برای بانوان جایز است.

ششم: باید پاک باشد. پس نماز با لباس نجس جایز نیست. بدن نمازگزار هم باید پاک باشد فقط چند مورد استثناء شده که مهمترینشان سه مورد است و در درس آینده خواهیم خواند.

درس شانزدهم:

بقیه شرایط لباس نمازگزار

- ۱ - خون زخم، دمل چرکین و همچنین دوای روی زخم، تا وقتی که بهبود پیدا نکرده، در لباس نمازگزار مورد عفو است و پاک کردن و تطهیر آن لازم نیست. و نماز با آن صحیح است.
- ۲ - خون اندکی که بر لباس باشد، به استثنای خون نفاس و حیض بنا بر احتیاط واجب، اگر قطر آن از $\frac{2}{3}$ سانتی متر تجاوز نکند بنا بر احتیاط واجب، مورد عفو است. و نماز با آن صحیح است. اما خونی را که روی بدن باشد، به جز موارد حالت ۱، باید تطهیر کرد.

مکان نمازگزار

نماز خواندن در مکان و فضای غضبی که نمازگزار از غضبی بودن آن اطلاع دارد جایز نیست زیرا نماز عبادت است و قصد تقرب به خدای متعال در آن شرط است و با تصرف غاصبانه، قصد قربت تحقق نمییابد.

مسئله ۴۵: کسی که در مکان غضبی زندانی است اگر نماز به آن مکان آسیب نرساند، جایز است در آنجا نماز بخواند.

مسئله ۴۶: اگر کسی در اماکن عمومی مثل مسجدها، حسینیهها، سالنها و پارکها پیشدستی کند و در آنجا بایستد یا نماز گزارد، کسی حق ندارد او را به زور از آنجا دور کند یا جایش را بگیرد. اما اگر کسی حاضر نیست و علامتی از خود به جا گذاشته، مثل جانماز یا مهر یا...، اگر مدت زیادی است که باز نگشته میتوان در مکانش تصرف کرد اما نمیتوان بر جانماز یا مهر یا هر چیز دیگر تصرفی کرد. و نماز خواند.

مسئله ۴۷: نماز خواندن یا خرید و فروش کردن در معابر عمومی که برای عبور و مرور مردم ساخته شده، اگر موجب

مزاحمت برای مردم میشود، حرام است.

مسئله ۴۸: زن و مرد میتوانند کنار هم به نماز بخوانند اعم از آن که مرد جلوتر باشد یا زن و یا در یک خط باشند. البته بهتر است در صورت نبودن پردهای میانشان، مرد جلوتر از زن نماز بخواند.

مسئله ۴۹: در بارگاههای پیامبر و ائمه علیهم السلام، نمیتوان جلوتر از ضریح نماز خواند، به طوری که ضریح پشت انسان قرار گیرد.

درس هفدهم:

قبله

در نماز باید رو به کعبه شریفه ایستاد که قبله مسلمانان است. فضای فوقانی آن نیز حکم کعبه را دارد و مثلاً کسی که سوار هواپیما است باید به روبروی فضای فوقانی کعبه نماز بخواند.

مسئله ۵۰: اگر در جایی جهت قبله را ندانیم می توانیم به گواهی دو آدم عادل و آشنا اعتماد کنیم همچنان که می توانیم به سمتی نمازگزاریم که مسلمانان آن منطقه رو به آن سمت، نماز می خوانند و محراب مساجدشان را رو به آن سمت ساخته‌اند.

چگونگی نماز

اذان و اقامه

مستحب است در نمازهای پنجگانه شبانه روزی، اذان و اقامه گفته شود.

مسئله ۵۱: در نماز جماعت به گفتن یک اذان و اقامه کفایت میشود اعم از آن که توسط امام جماعت خوانده شود یا توسط یکی از مأمومین.

مسئله ۵۲: زن می تواند از فصول اذان به یک تکبیر و شهادتین (اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله) اکتفا کند. اکتفا به شهادتین نیز کافی است همچنان که به جای اقامه میتواند یک تکبیر و دو شهادت مزبور را بگوید و هرگاه صدای اذان را شنید گفتن دو شهادت به جای اقامه کافی است.

چگونگی اذان و اقامه

اذان هیجده فصل دارد:

چهار بار	الله اکبر
دو بار	اشهد ان لا اله الا الله
دو بار	اشهد ان محمداً رسول الله
دو بار	حيّ على الصلاة
دو بار	حيّ على الفلاح
دو بار	حيّ على خير العمل
دو بار	الله اکبر
دو بار	لا اله الا الله

واقامه هفده فصل دارد:

دو بار	الله اکبر
دو بار	اشهد ان لا اله الا الله
دو بار	اشهد ان محمداً رسول الله
دو بار	حيّ على الصلاة
دو بار	حيّ على الفلاح
دو بار	حيّ على خير العمل

دو بار

قد قامت الصلاة

دو بار

الله اكبر

يك بار

لا اله الا الله

مسئله ۵۳: بر گوینده و شنوندگان مستحب است هنگام ذکر نام شریف رسول الله، بر او صلوات فرستند.

مسئله ۵۴: خوب است شهادت به ولایت امام علی علیه السلام، بدون قصد جزءیت، به اذان و اقامه اضافه شود چنانکه برخی روایات بر آن دلالت دارد. مسلمانان در عصر رسول خدا ﷺ نیز چنین میکرده اند. وقتی اسود عنسی که ادعای نبوت کرده بود کشته شد مؤذن مسلمین می گفت: اشهد ان محمداً رسول الله (وان عیبهله کذاب) بدون آن که آن را جزئی از اذان بدانند.

درس هیجدهم:

مسئله ۵۵: در اذان و اقامه چند چیز شرط است:

- ۱ - اذان مقدم بر اقامه باشد.
 - ۲ - هر دو به زبان عربی صحیح ادا شوند و ترجمه آنها به زبانهای دیگر و یا به شکل غلط و نادرست کافی نیست.
 - ۳ - بنا بر احتیاط واجب هر دو پس از دخول وقت نماز باید گفته شود حتی برای کسی که نماز صبح را تنها و به صورت فرادا میخواند.
 - ۴ - شرط است گوینده اقامه رو به قبله بایستد و با وضو باشد.
- مسئله ۵۶: مکروه است گوینده اذان و یا اقامه در اثنای آنها، حرف بزند، به ویژه بعد از گفتن (قد قامت الصلاة).

واجبات نماز

- ۱ - نیت.
- ۲ - تکبیره الاحرام.
- ۳ - قیام.
- ۴ - طمأنینه و آرامش، بنا بر احتیاط واجب.
- ۵ - قرائت.
- ۶ - ذکر.
- ۷ - رکوع.
- ۸ - سجود.
- ۹ - تشهد.
- ۱۰ - سلام.
- ۱۱ - موالاه و پیوستگی اعمال.

اول: نیت

یعنی انسان نماز را به قصد قربت انجام میدهد. به همان ترتیب که در وضو گفته شد.

مسئله ۵۷: کسی که نماز می خواند تا مردم او را تعریف و تمجید کنند و او را آدم خوب پندارند یا از ترس خانواده‌هاش نماز می‌گذارد نمازش باطل است و باید نوجوانان عزیز پسران و دختران به این نکته توجه کنند و بدانند که نماز، فقط با قصد قربت صحیح است.

مسئله ۵۸: واجب است انسان بدانند کدام نماز را میخواند مثلاً نماز صبح است یا ظهر یا عصر یا مغرب یا عشاء یا غیر آنها.

دوم: تکبیره الاحرام

نماز با تکبیره الاحرام شروع میشود و بدون آن، چه سهوی یا عمدی، نماز باطل میشود. با اضافه کردن عمدی آن نیز نماز باطل است. پس اگر یک بار آن را صحیح ادا کرد دیگر برای بار دوم آن را تکرار نکند زیرا با گفتن بار دوم باطل میشود و باید برای شروع نماز برای بار سوم تکبیر بگوید.

مسئله ۵۹: واجب است تکبیره الاحرام به زبان عربی باشد و ترجمه‌ی آن به لغت دیگر کافی نیست. همچنین باید آن را

صحیح ادا کرد.

مسئله ۶۰: نمازگزار در همه نمازها، اختیار دارد که تکبیره الاحرام را بلند یا آهسته بگوید.

مسئله ۶۱: احتیاط واجب آن است که نمازگزار قبل از گفتن تکبیره الاحرام و پس از آن، اندکی ساکت باشد و آن را به ذکرهای قبل و بعد، وصل نکند.

مسئله ۶۲: مستحب است نمازگزار هنگام گفتن تکبیره الاحرام دستهایش را تا نزدیک صورت و کنار دو گوش بالا ببرد و بعد از گفتن تکبیر، آنها را پایین آورد.

درس نوزدهم:

سوم: قیام

واجب است نماز گزار، در نمازهای واجب، هنگام گفتن تکبیره الاحرام، قرائت، پیش از رکوع و بعد از آن، قبل از رفتن به سجده، ایستاده باشد و بنابر احتیاط واجب باید روی دو پایش بایستد نه فقط یک پا.

مسئله ۶۳: در نماز گزار اثر بیماری یا دیگر عذرهای شرعی که نمیتواند ایستاده نماز بخواند، میتوان نشسته نماز خواند.

چهارم: طمأنینه و آرامش بنابر احتیاط و اجب

یعنی بدن نماز گزار در اثنای گفتن تکبیره الاحرام، قرائت و ذکرها، ساکن و بیحرکت باشد. بنابراین، به احتیاط و جوبی، نماز در اتومبیل در حال حرکت، جایز نیست همچنان که نماز در هواپیما آنگاه که به سبب برخورد با ابرها و یا کانالهای هوایی تکان میخورد و مسافران نیز خواه ناخواه به حرکت در میآیند و طمأنینه از بین میرود، جایز نیست.

پنجم و ششم: قرائت و ذکر

در رکعت اول و دوم نمازها سورهی حمد و بعد از آن یک سوره از سورههای دیگر را میخوانید و در رکعت سوم نماز

مغرب و در دو رکعت آخر نمازهای ظهر و عصر و عشا، میان خواندن سوره حمد تنها و بین تسبیحات، که ذکر نامیده میشود، مخیرید. در تسبیحات کافی است یکبار بگویید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» و بهتر است آن را سه بار تکرار کنید.

مسئله ۶۴: قرائت نماز، باید صحیح باشد و لازم است نمازگزار به قرآن کریم مراجعه کند و آن را مطابق قواعد عربی به طور صحیح حفظ کند.

مسئله ۶۵: سوره‌های «فیل» و «ایلاف» در حکم یک سوره‌اند پس اگر پس از خواندن حمد، سوره‌ی «فیل» را برگزیدید باید پس از آن سوره‌ی «ایلاف» را هم بخوانید. و نیز سوره‌های «ضحی» و «انشراح» همین حکم را دارند.

مسئله ۶۶: کلمه‌هایی که آخر آنها حرکت دارد و ساکن نیست وقتی به کلمه‌ی بعد وصل شوند بهتر است حرکت حرف آخر تلفظ شود و اگر وقف کردید بهتر است با سکون خوانده شود مثلاً: حرف میم الرحیم در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دارای حرکت کسره است. وقتی به کلمه‌ی «مالک» وصل میکنید چنین بخوانید: «... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مالک» و اما اگر بر کلمه‌ی «رحیم» وقف کنید: «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» با سکون میم میخوانید و بر این

قاعده در تمام کلمهها عمل کنید.

مسئله ۶۷: اگر قرائت شما صحیح نیست حتماً پیش از شروع به نماز، در پی تصحیح و یادگیری آن باشید.

مسئله ۶۸: بر مردان واجب است در نماز صبح و در دو رکعت اول نمازهای مغرب و عشا سوره‌ی حمد را بلند بخوانند اما بانوان میتوانند بلند یا آهسته بخوانند.

مسئله ۶۹: بر مردان واجب است که قرائت نماز ظهر و عصر و رکعت سوم نماز مغرب و در دو رکعت سوم و چهارم نماز عشا، جز «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، را آهسته بخوانند و مستحب است «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در دو رکعت نمازهای ظهر و عصر بلند بخوانند.

س: میزان در آهسته یا بلند خواندن چیست؟

ج: آیا اتفاق افتاده که در گوش دوستان پنهانی صحبت کنید بطوری که شخص دیگر نشنود؟ همین اندازه در آهسته خواندن کافی است و آهسته خواندن، تنها تکان دادن لبها نیست. و برای بلند خواندن هم کافی است همانند صحبت کردن در مجالس و محافل با دوستان بی آنکه فریاد بکشد و داد بزند.

مسئله ۷۰: نمازگزار میتواند قرآن را بگشاید و سوره را از روی قرآن بخواند تا به خطا نیفتد.

درس بیستم:

هفتم: رکوع

هفتمین واجب در نماز، رکوع است و کافی است که در آن، بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»، یا سه مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ». و احتیاط واجب آن است که هنگام گفتن ذکر، بدن آرام گیرد و تکان نخورد به همان صورتی که در تکبیر و قرائت، ذکر شد.

هشتم: سجده

هشتمین واجب از واجبات نماز سجده است که عبارت است از: نهادن کف دست‌ها و زانوها و انگشت‌های شصت پا و پیشانی بر زمین یا گیاهی که خوردنی یا پوشیدنی نباشد. کافی است در سجده بگویید «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» و می‌توانید به جای آن سه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگویید. احتیاط واجب آن است که هنگام گفتن ذکر سجده، بدن آرام و بیحرکت باشد.

مسئله ۷۱: در هر رکعت نماز، دو سجده هست. نمازگزار پس از آن که از رکوع سر بلند کرد، به سجده میرود و پس از آن مینشیند، سجده دوم را به جا می‌آورد.

مسئله ۷۲: نباید زمین آن قدر پستی و بلندی داشته باشد که سطح محل پیشانی به اندازه‌ی چهار انگشت بالاتر یا پایینتر

از سطح محل انگشتان پا باشد.

مسئله ۷۳: در سجده میتوان پیشانی را بر شن، ماسه، خاک، آجر، سیمان و گیاه نهاد. به شرطی که آن گیاه مثل سیب خوردنی نباشد و یا پنبه پوشیدنی نباشد. و نیز واجب است سجده گاه پاک باشد. پس پیشانی را نمی توان بر زمین و یا شیء نجس گذاشت و در فضیلت سجده بر خاک به خصوص تربت ابی عبد الله الحسین علیه السلام و خاک حائر حسینی در کربلا، احادیث فراوان وارد شده است.

نهم: تشهد

در رکعتهای دوم و چهارم و در رکعت سوم نماز مغرب و محل آن، پس از سجده دوم میباشد و کافی است در آن بگویید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

دهم: سلام

آخرین جزء واجب نماز و کافی است در آن بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» یا بگویید: «السلام علیکم» و بهتر است «ورحمة الله وبرکاته» بر آن افزوده شود و البته خواندن هر دو سلام فضیلتش بیشتر است و مستحب است پیش از آنها بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

مسئله ۷۴: مرد وزن در همهی نمازها می تواند ذکر رکوع، سجود، تشهد و سلام را بلند یا آهسته بخواند.

یازدهم: ترتیب

یعنی نماز با تکبیر شروع شود، سپس قرائت، بعد رکوع، و پس از سر بلند کردن از رکوع، سجده و همینطور تا آخر نماز. به هم زدن این ترتیب و پس و پیش خواندن اجزاء جایز نیست.

دوازدهم: موالات

یعنی اجزای نماز پیوسته و به دنبال هم به جا آورده شود و میان اجزاء فاصله عمدی نباشد طوری که شکل نماز به هم بخورد. پس اگر نمازگزار در اثنای نماز چیزی بخورد نماز او بنا بر احتیاط واجب، باطل می شود. البته بلعیدن اجزاء کوچک طعام که در لابلاهی دندانها مانده و عرفاً خوردن نامیده نمی شود، مانعی ندارد. تذکر: در هر نماز پس از پایان قرائت حمد و سوره رکعت دوم، قنوت مستحب است به این صورت که دو دست خود را بالا می برید و برای خود و خانواده و مسلمانان دعا می کنید.

مسئله ۷۵: مستحب است انسان پس از تمام شدن نماز به سجده رود و حداقل سه بار بگوید: «شکراً لله». و نیز مستحب است تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگوید که آن سی و چهار بار «الله اکبر» و سی و سه بار «الحمد لله» و سی و سه بار «سبحان الله» است.

درس بیست و یکم:

باطل کننده‌های نماز

مهمترین چیزهایی که اگر در هنگام نماز رخ دهد، نماز را باطل می‌کند، هشت چیز است:

اول: خروج بول، باد، مدفوع یا خوابیدن در اثنای نماز.

دوم: انحراف عمدی از قبله. اگر کسی به اشتباه به سویی نماز خواند که گمان می‌کرد قبله به آن سو است و بعد معلوم شد که قبله بدان سو نبوده، اگر انحرافش از قبله صحیح به اندازه ۹۰ درجه از هر طرف باشد (راست یا چپ) نمازش صحیح است و اگر بیشتر باشد نماز باطل است.

سوم: صحبت کردن عمدی. نماز گزار نباید کلامی غیر از کلمات نماز بر زبان آورد. اما تلاوت آیهای قرآن و ذکر خدای متعال و ثنا به رسول خدا ﷺ به صحت نماز آسیب نمیرساند.

چهارم: خنده با صدای بلند (قهقهه) نماز را باطل می‌کند. لیکن تبسم و لبخند ضرر ندارد هم چنانکه خنده از روی سهو و یا ندانستن حکم آن، نماز را باطل نمی‌کند.

پنجم: بنا بر احتیاط واجب، نباید در هنگام نماز برای امور

دنیایی گریه کرد. اما گریه برای امور معنوی هم چون خوف از خداوند یا اظهار بندگی و شوق باشد مانعی ندارد. و نیز گریه کسی که حکم را فراموش کرده مانعی ندارد.

ششم: بنا بر احتیاط و جویی، آنچه در عرف خوردن به حساب می آید نماز را باطل می کند. اما فرودادن اجزای طعام که در بین دندانها مانده است، مانعی ندارد.

هفتم: دست بسته نماز خواندن (تکّثّف)، حتی با قصد خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال، جایز نیست چون بدعتی است که پس از رسول خدا ﷺ به وجود آمده است. پس هر کس با عمد و به قصد مشروعیت آن و یا برای ترویج باطل، چنان کند نمازش باطل می شود اما اگر از روی غفلت و بیتوجهی و یا از روی تقیّه باشد، نماز باطل نمی شود.

هشتم: عمداً آمین گفتن بعد از خواندن سوره حمد حرام است و بنا بر احتیاط واجب نماز را باطل می کند.

مسئله ۷۶: بنا بر احتیاط واجب به هم زدن بدون سبب نماز و قطع آن از روی عمد، حرام است اما اگر نمازگزار ناگزیر به انجام آن شد یا در صحّت نمازش به تردید افتاد و خواست آن را قطع کند و دوباره بخواند جایز است.

مسئله ۷۷: اگر کسی فراموش کرد و نمازش را نخواند و بعد از پایان وقت یادش آمد، واجب است آن نماز را قضا کند.

مسئله ۷۸: اگر در هنگام بجا آوردن نماز شک کند که آیا جزء سابق را به جا آورده است یا نه، به شکش اعتنا نمیکنند. مثلاً در حال رکوع شک کند آیا پس از قرائت حمد، سوره را خوانده یا نه میگذرد و اعتنایی به آن نمیکنند. هم چنین اگر در اثنای تشهد شک کرد که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده به شکش اعتنا نمیکنند و تشهد را ادامه می دهد.

مسئله ۷۹: اگر انسان نداند که آیا نماز خوانده یا نه هرگاه هنوز وقت باقی باشد واجب است آن نماز را به جا آورد ولی اگر وقت پایان یافته، چیزی بر او واجب نیست. مثلاً اگر قبل از غروب آفتاب شک کند که نماز ظهر یا عصر را خوانده است یا نه، واجب است آنها را بخواند اما اگر پس از غروب خورشید شک کند لازم نیست آنها را بخواند زیرا، وقت پایان یافته است.

درس بیست و دوم:

شک‌هایی که نماز

را باطل نمی‌کند

اگر نماز گزار در نماز چهار رکعتی در تعداد رکعت‌های نماز شک کند چند حالت ممکن است پیش بیاید:

نوع شک	حکم و راه حل
شک میان دو و سه (یعنی نداند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت) بعد از گفتن ذکر واجب (یعنی: سبحان ربی الاعلی و بحمده) از سجده دوم.	بنا بر این می‌گذارد که سه رکعت خوانده و رکعت چهارم را به جا می‌آورد و پس از گفتن سلام، نماز احتیاط را به جا می‌آورد.
شک بین رکعت سوم و چهارم در هر جا که باشد.	بنا بر چهار می‌گذارد و پس از گفتن سلام یک رکعت نماز احتیاط می‌خواند.
شک میان دو و چهار پس از گفتن ذکر واجب سجده آخر.	بنابر چهار می‌گذارد و پس از گفتن سلام دو رکعت نماز احتیاط می‌خواند.
شک میان، دو و سه و چهار پس از اكمال ذکر واجب سجده آخر.	بنابر چهار می‌گذارد و پس از گفتن سلام دو رکعت نماز احتیاط به صورت ایستاده و دو رکعت هم به همان ترتیب به صورت نشسته می‌خواند.
شک بین چهار و پنج پس از گفتن ذکر سجدهی آخر.	بنابر چهار می‌گذارد و پس از گفتن سلام دو سجدهی سهو به جا می‌آورد.

دو تذکر:

- بقیه‌ی صورتهای شک نماز را باطل میکند.
- عمل به راه‌های ذکر شده در شکهای صحیح، واجب نیست بلکه میتوان نماز را به هم زد و نمازی دیگر خواند.
به برخی شکها نباید اعتنا کرد:
- شک در به جا آوردن واجبی که موقع جبران و ادای آن گذشته است. مثلاً از رکوع فارغ شده و به سجده رفته باشیم.
- شک در صحت نماز بعد از اتمام آن.
- شک در صحت افعال و اجزاء نماز پس از پایان وقت.

درس بیست و سوم:

مسئله ۸۰: هرگاه نمازگزار در انجام برخی از اجزاء و افعال نماز شک کند اما محل آن نگذشته و داخل جزء بعد نشده واجب است جزء مشکوک را به جا آورد. مثلاً اگر ایستاده باشد و شک کند که آیا سوره‌ی فاتحه و حمد را خوانده است یا نه، واجب است سوره حمد را بخواند. یا اگر در رکعت دوم نشسته است قبل از گفتن تشهد شک کند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده واجب است قبل از شروع به تشهد سجده دیگری بجا آورد.

عزیزانم متوجه این نکته باشید و فرق میان این مسئله و مسئله شک در انجام جزئی از اجزاء پس از گذشتن محل آن، را بدانید. در این مسئله باید آن جزء مشکوک را به جا آورید که محل انجام آن، نگذشته است.

نماز جماعت

نماز جماعت ثواب و پاداش فراوانی دارد و مستحب است نمازها را حتی در خانه به جماعت بخوانیم. البته نمی توان پشت هر کسی نماز خواند و امام جماعت، شرایطی دارد که مهمترین آن شرایط دو شرط است:

۱ - امام جماعت باید عادل باشد به این معنا که دیندار باشد و از انجام گناهان بزرگ اجتناب ورزد و اگر احیاناً به سب غلبه‌ی شهوت و یا خشم دچار گناهی شد فوراً توبه کند. لیکن اگر گناهان او بسیار باشد و عادل نباشد نمی توان پشت او نماز خواند.

۲ - قرائت امام جماعت باید صحیح باشد و این شرط بنابر احتیاط واجب، به نمازهایی اختصاص دارد که باید بلند خوانده شود یعنی نمازهای صبح و مغرب و عشا. بنابر این در نمازهایی که آهسته خوانده می شود جایز است پشت سر امام جماعتی که قرائتش صحیح نیست نمازگزارد. چون مأموم می تواند قرائت صحیح را به طور آهسته برای خود بخواند.

مسئله ۸۱: جایز نیست مرد پشت زن، نماز را جماعت بخواند بلکه فقط پشت مرد می تواند نماز جماعت بخواند. اما زن می تواند پشت امام جماعت مرد و حتی پشت امام جماعت زن نماز بخواند.

شرایط نماز جماعت

اموری باید تحقق یابد تا نماز جماعت صحیح باشد که
مهمترینشان چهار امر است:

اول: بین نمازگزار و امام جماعت و یا میان او وبقیه
نمازگزاران چیزی مانند دیوار، حایل و مانع نباشد.

دوم: جایی که امام ایستاده است نباید بلندتر از زمینی باشد
که مأموم در آن ایستاده است. اما اگر بلندی کمتر از سه انگشت
بود یا به نظر نمی آمد، ضرری ندارد.

درس بیست و چهارم:

ادامه شرایط نماز جماعت

سوّم: مأوم نباید از امام یا دیگر نمازگزارانی که به واسطهی آنها اتصال به امام برقرار میشود بیش از یک متر و بیست و پنج سانتیمتر فاصله داشته باشد.

چهارم: مأوم نباید جلوتر از امام بایستد و بنابر احتیاط واجب باید از او عقبتر باشد حتی به اندازهی چهارانگشت. البته اگر امام جماعت، زن باشد می تواند دوشادوش مأومین در یک صف بایستد.

احکام نماز جماعت

مسئله ۸۲: در دو رکعت نخست نماز، خواندن سوره‌ی حمد از مأموم، ساقط است و نمیتواند نه حمد و نه هیچ سوره‌ای را بخواند. اما در رکعت‌های سوم و چهارم، قرائت ساقط نمیشود و مأموم باید حمد یا تسبیحات را آهسته بخواند.

مسئله ۸۳: جایز نیست، مأموم، افعال نماز را عمداً پیش از امام به جا آورد. پس نمیتواند پیش از امام به رکوع برود یا سجده کند یا سر از سجده بردارد. اما میتواند پیش از امام ذکر و تسبیح یا تشهد بگوید. مثلاً: قبل از آن که امام سر از سجده بردارد اوسر از سجده بر ندارد اما میتواند پیش از امام تشهد بخواند.

مسئله ۸۴: نوجوانان عزیز، نماز جماعت ثواب فراوان دارد. خود را از فیض آن محروم نکنید و تا میتوانید آن را برقرار سازید و پشت بعضی از افراد خانواده که دین‌دار هست نماز به جماعت بخوانید. مثلاً فرزند با پدر و برادرش یا دختر با پدر و مادرش نماز جماعت تشکیل دهند و زنان عقبتر بایستند، و با فضیلتتر آن است که انسان پشت سر عالم عادل، نماز بخواند در حدیث امام صادق علیه السلام آمده است: «الصلاة خلف العالم بألف ركعة...»: نماز پشت یک عالم برابر هزار رکعت نماز است.

نماز جمعه

نماز جمعه در زمان حضور امام معصوم علیه السلام واجب عینی است اما در عصر غیبت (عصری که در آن زندگی میکنیم) نمازگزار بین آن و نماز ظهر مخیر است. و از آنجا که جز با جماعت، صحیح نیست کیفیت خواندن آن برای امام را به کتابهای گسترده‌ی فقهی موکول میکنیم و به بیان برخی احکام مربوط به مأمومین، اکتفا مینماییم.

۱ - همه شرایط امام جماعت در امام جمعه نیز باید جمع باشد پس نماز پشت سر شخص فاسق و نابکار جایز نیست.

۲ - بر کسی که به نماز جمعه حاضر شده حرام است در حال خطبه‌ی امام، صحبت کند و نیکو است که به خطبه‌ها گوش فرادهد.

۳ - کسی که به خطبه‌ها نرسیده و فقط نماز را درک کرده، حتی اگر قسمتی از نماز را درک کرده باشد نماز جمعه را درک کرده است. با توضیحاتی که در کتب فقهی آمده است.

۴ - دو نماز جمعه در مسافت تقریبی کمتر از شش کیلومتر، برگزار نمی‌شود. و نمازی که زودتر منعقد شده اگر

دارای شرایط باشد، صحیح و دیگری باطل است.

در این جا لازم است توجه مؤمنان را به این نکته معطوف
بدارم که نماز جمعه باید سبب هوشیاری مردم با ایمان و ارشاد
آنان باشد و سطح فرهنگ دینی و تربیتی را بالاتر برد و مسلمانان
را به مصالح خود و کشورهای اسلامی متوجه سازد نه آن که
باعث پراکندگی و گروهی شدن آنان شود و مقدسات آنان مورد
طعن و تعرض قرار گیرد.

درس بیست و پنجم:

نماز مسافر

اگر انسان مسلمان، مسافرت کند طوری که مجموع رفت و برگشت او در حدود ۴۶ کیلومتر باشد نمازهای چهار رکعتی او (ظهر و عصر و عشا) به دو رکعت تبدیل می شود و آنرا نماز قصر (شکسته) خوانند. مثلاً: شخصی که به شهری می رود که فاصله آن تا وطن خود ۲۵ کیلومتر باشد نماز چهار رکعتیاش، شکسته میشود زیرا مجموع سفر او (رفت و برگشت) برابر با ۵۰ کیلومتر است.

برای شکسته خواندن نماز شرایطی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

الف: به شهری که میروید، قصد ده روز ماندن در آن نداشته باشید.

ب: سفر شما، معصیت نباشد مثل یاری ستمگر یا خرید و فروش شراب و امثال آن که گنجایش ذکر همه‌ی آنها نیست.

نماز قضا

نمازی را که در وقتش نخوانده باشی، نماز قضا خوانند. مثلاً کسی که برای نماز صبح بیدار نشده واجب است آن را بعداً قضا کند و همچنین اگر در اثر فراموشی نماز نخوانده است واجب است قضای آن را به جا آورد.

مسئله ۸۵: شخصی که مدت‌ها نماز نخوانده باشد و بعد توبه کند، از خدا طلب مغفرت نماید باید نمازهایی را که قبل از توبه نخوانده است به جا آورد و اگر تعداد نمازها را نداند به اندازه کمترین مقدار ممکن هم که بخواند کافی است. مثلاً اگر نمیداند یک ماه نماز نخوانده یا دو ماه قضای نماز یک ماه کافی است.

نماز آیات

نماز آیات، نمازی است که هنگام خورشید یا ماه گرفتگی واجب میشود. و همچنین در وقت وزش بادهای طوفانی و ظلمانی و امثال آنها که به در حالت طبیعی موجب ترس مردم شود و نیز بنا بر احتیاط و جوبی هنگام زلزله، واجب می شود. و دو رکعت است با پنج رکوع و اگر به ترتیب مذکور در ذیل خوانده شود صحیح و کافی است:

تکبیر (الله اکبر) را می گویی و نماز را شروع میکنی بعد از آن سوره حمد را میخوانی و بعد یکی از سورههای قرآن را انتخاب میکنی. مثلاً سوره قدر را.

پس از خواندن فاتحه، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿ را می خوانی و رکوع میکنی (۱) در رکوع میگویی «سبحان ربی العظیم و بحمده» سپس سر از رکوع بر میداری و آیهی دوم ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ را بدون این که دوباره حمد و فاتحه را بخوانی میخوانی. بعد به رکوع می روی (۲) سپس سر از رکوع بر میداری آیه سوم از همان سوره را میخوانی: ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ بعد به رکوع میروی (۳). سپس سر بلند میکنی آیهی چهارم از آن سوره را میخوانی: ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ﴾

وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ بعد به رکوع می روی (۴). سر که بلند کردی بقیه سوره‌ی قدر را میخوانی یعنی قسمت پنجم ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ﴾ و به رکوع می روی (۵). و سپس مثل نمازهای معمولی دیگر سجده‌ها را به جا میآوری و برای رکعت دوم بر میخیزی و باز سوره حمد و (فاتحه) را خوانده همان سوره و یا یک سوره‌ی دیگر را انتخاب میکنی و آن را مانند رکعت اول به پنج رکوع تقسیم می کنی. در آخر سجده‌ها و تشهد و سلام را می خوانی و بدین ترتیب نماز آیات پایان مییابد.

در این نماز مستحب است قبل از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم . قنوت بخوانید و جایز است فقط در بعضی از آنها قنوت بخوانید.

مسئله ۸۶: نماز آیات باید در حین خورشید و ماه گرفتگی ادا شود و نباید آن را آن تا بر طرف شدن گرفتگیها، به تاخیر انداخت.

تذکر:

وقتی خورشید یا ماه به طور کامل گرفت و انسان متوجه نشود در این صورت قضای نماز آیات واجب میشود و همچنین اگر کسی در طول زندگی، اصلاً نماز آیات نخوانده و توبه کند بر او واجب است نمازهای آیاتی را که از او فوت شده، قضا کند. این جا مسائلی مطرح است که میتوانید تفصیل آنها را در کتابهای فقهی بجویید.

درس بیست و ششم:

نافله ها

نماز مستحبی را نافله نامند و برای کسی که آنها را بجا آورد خدای متعال ثواب فراوانی عطا میکند. نمازهای نافله فراوان است از جمله آنها نافله‌های یومیّه که به شرح ذیل است:

الف - دو رکعت قبل از نماز صبح که نافله نماز صبح است.

ب - نافله نماز ظهر هشت رکعت است که قبل از نماز ظهر خوانده می شود.

ج - نافله نماز عصر هشت رکعت است که قبل از نماز عصر خوانده می شود.

د - نافله مغرب چهار رکعت است که پس از نماز مغرب خوانده می شود.

ه - نافله نماز عشا دو رکعت است که بعد از نماز عشا خوانده می شود.

اینها نافله‌های یومیّه است و انجام آنها ثواب فراوان دارد و خوب است مؤمن تا جایی که ممکن است بدان پایبند باشد.

پرسش‌ها

- ۱ - چه چیزهایی در لباس نمازگزار شرط است؟
- ۲ - اگر انسان نداند که بند ساعت مچی از چرم طبیعی است یا مصنوعی آیا نماز با آن جایز است؟
- ۳ - در چه حالاتی با وجود همراه داشتن نجس، نماز جایز است؟
- ۴ - واجبات نماز را بگویید.
- ۵ - مبطلات نماز را بشمارید.
- ۶ - اگر در اثنای سجده شک کنید که رکوع به جا آورده‌اید یا نه آیا به این شک اعتنا می‌کنید؟
- ۷ - اگر رکعت دوم ایستاده آید و شک می‌کنید که آیا سوره حمد خوانده آید یا نه. چه می‌کنید؟
- ۸ - دختری که با مادرش نماز جماعت می‌خواند در کدام سمت مادر می‌ایستد؟
- ۹ - شرایط نماز جماعت را بشمارید.
- ۱۰ - مسافت شرعی که نماز چهار رکعتی در آن شکسته می‌شود چقدر است؟
- ۱۱ - آیا مأموم میتواند پیش از امام سر از سجده بردارد؟
- ۱۲ - آیا نافله می‌خوانی؟ آنها کدامند؟ و اگر نمی‌خوانی، علتش چیست؟ بکوش آن علت را بر طرف کنی تا به ثواب نافله دست یابی.

روزه

روزه از مهمترین واجبات بر انسان است و زمان آن، از طلوع فجر تا غروب آفتاب ماه رمضان است و بهتر است تا زوال سرخی شرقی، صبر کنیم و تا این زمان از انجام هرآنچه روزه را باطل میکند اجتناب نماییم.

مسئله ۸۷: در آخرین روز ماه شعبان هرگاه، انسان هلال را ببیند بر او، روزه واجب میشود و هم چنین اگر دو شخص عادل آن را دیده باشند ماه او رمضان ثابت می شود و باید روزه بگیرد. لیکن اگر خود انسان هلال را ببیند و دو مرد عادل که آن را دیده باشند شهادت ندهند و اصلاً طلوع هلال معلوم نباشد روزه گرفتن آن روز واجب نمی شود و آن را «یوم الشک» نامند و اگر خواستید آن روز را روزه بگیرید نباید نیت روزه ماه رمضان کنید.

مسئله ۸۸: انسان نمی تواند از روزه ماه رمضان افطار کند مگر آن که مطمئن باشد آفتاب غروب کرده یا به اذان شخص موثق و آشنا به وقت یا شهادت و گواهی دو عادل اعتماد کند و فقط حدس و احتمال غروب، کافی نیست.

مسئله ۸۹: روزه باید به نیت تقرب به خدا باشد پس روزه گرفتن از ترس خانواده یا برای تعریف و تمجید مردم و فخر فروشی، صحیح نیست و چنین روزه ای باطل است. در حدیثی از رسول خدا ﷺ در باره ماه رمضان آمده: از پروردگارتان با نیت های صادق و دل های پاک بخواهید که شما را به روزه گرفتن در آن ماه، و تلاوت کتابش موفق فرماید. زیرا شوربخت کسی است که در این ماه با عظمت، از رحمت خداوند، محروم بماند. از گرسنگی و تشنگی تان در این ماه، روز قیامت و تشنگی در آن را به یاد آورید و به بینوایان و درماندگان تصدق و انفاق کنید.

مفطرات

ده چیز روزه را باطل می کند:

اول و دوم: خوردن و آشامیدن حتی اگر اندک باشد.
سوم: نسبت دروغ به خدا یا پیامبر ﷺ یا یکی از امامان علیهم السلام.
پس هر کس عمداً دروغ گوید و از رسول ﷺ چیزی نقل کند و بداند که دروغ است روزهاش باطل است و به سبب همین دروغگویی گناهکار است. بنابر احتیاط واجب اگر بدون اطمینان از صحت و درستی حدیثی آن را نقل کند روزهاش باطل میشود.
چهارم: استعمال دخانیات بنا بر احتیاط وجوبی.

درس بیست و هفتم:

پنجم: استفراغ عمدی؛ انسان اگر در روز ماه رمضان عمداً استفراغ کند روزه اش باطل می شود ولی اگر ناگزیر از آن شود جایز است اما روزه آن روز را باید قضا کند. مگر آنکه ناگهان وبدون اختیار، استفراغ رخ دهد که در این صورت، روزه باطل نمی شود.

مسئله ۹۰: اگر چیزی یا ماندهٔ طعامی از معده انسان بالا بیاید و داخل فضای دهان شود می تواند آن را فرو برد و روزه اش باطل نمی شود.

ششم: اگر با آب یا هر مادهٔ مایعی آماله کند، روزه اش باطل می شود ولی آماله با چیز جامدی که در داخل بدن ذوب نشود، مانعی ندارد اما از آنچه در داخل آب می شود، مانند پمادهای روغنی، بنابر احتیاط واجب باید اجتناب کند و اگر برای دریان بیماری ضروری باشد آن روز را امساک و بعداً آن را قضا میکند.

هفتم: استمنا.

هشتم: آمیزش (جماع).

نهم: باقی ماندن بر جنابت و حیض تا اذان صبح. پس اگر کسی از روی عمد تا طلوع فجر بر حیض و جنابت باقی بماند

روزهای باطل می شود. (فقط در روزه ماه رمضان)

مسئله ۹۱: چکاندن قطره در چشم و گوش، جایز است و در بینی اگر به دستگاه گوارش وارد نشود هم ضرر ندارد و در غیر این صورت روزه را باطل می کند.

مسئله ۹۲: آب و لعاب دهان را هر چند زیاد باشد میتوان فرو برد و هم چنین بلغم را می توان فروبرد هر چند بهتر است آنرا بیرون انداخت.

مسئله ۹۳: تزریق در عضله و رگ روزه را باطل نمی کند حتی تزریق سرم هم جایز است و روزه را باطل نمی کند.

مسئله ۹۴: به کار بردن انواع گوناگون اسپری (افشانه) اعم از آن که از طریق بینی باشد یا از دهان، جایز است و روزه را باطل نمی کند حتی اگر به ریهها برسد. مگر آن که به دستگاه گوارش برسد آنگاه روزه باطل میشود.

مسئله ۹۵: جویدن آدامسهای مصنوعی که در بازارها فراوان است جایز نیست زیرا در آن مواد قندی وجود دارد که با جویدن وارد معده میشود.

درس بیست و هشتم:

مسئله ۹۶: اگر انسان فراموش کند که روزه است و بعضی از مبطلات را انجام دهد مثلاً آب بنوشد و بعد متوجه شود که روزه بوده، روزهاش باطل نمی شود.

مسئله ۹۷: انسان در اثنای روز ماه رمضان نمی تواند قصد افطار کند (مثلاً تصمیم به خوردن بگیرد) و اگر قصد کرد حتی اگر چیزی نخورد و عملاً مفطری به جا نیاورد روزهاش باطل میشود.

مسئله ۹۸: روزه دار، می تواند بر تن و جامه هایش عطر بزند و آن را بو کند و با این کار، روزه اش باطل نمی شود.

حالاتی که باید افطار کرد

مهمترین حالاتی که در آنها، افطار یا شکستن روزه جایز یا واجب میشود پنج مورد است.

اول: بیماری که روزه برای او ضرر دارد. خدا چنین شخصی را به روزه مکلف نفرموده است، خدای متعال در قران کریم فرمود: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (بقره: ۱۸۵) خدا برای شما آسانی می خواهد نه سختی. اما اگر روزه به بیمار، ضرر نمی رساند، افطار برای او جایز نیست.
دوم: زن حایض.

سوّم: مسافر با چهار شرط:

۱ - سفرش کمتر از چهل و شش کیلومتر نباشد.

۲ - قبل از طلوع فجر، قصد سفر کند.

۳ - پیش از ظهر سفر رود.

۴ - سفر او معصیت و گناه نباشد.

در این باب مسایلی است که باید به کتابهای مفصل
فقهی مراجعه شود.

مسئله ۹۹: اگر روزه دار، بعد از ظهر مسافرت کند جایز
نیست روزهایش را بشکند و روزه آن روز او صحیح است.

چهارم: پیران و کهنسالان و کسانی که ناتواناند و روزه
گرفتن برای ایشان بسیار زحمت دارد می توانند روزه نگیرند.

پنجم: زنان باردار که در اثر روزه، رنج می بینند یا به
جنینشان، آسیب می رسد و هم چنین زنان شیرده، که شیرشان
اندک است و در صورت روزه گرفتن ضرر می بینند و شیرشان
کمتر می شود و یا اصلاً قطع میشود و دیگر بر نمیگردد
میتوانند روزه نگیرند.

درس بیست و نهم:

قضا، فدیة، كفاره

سؤال: تکلیف کسی که در ماه رمضان، روزهایش را خورده چیست؟ و چه باید بکند؟

پاسخ:

۱- اگر انسان برای خوردن روزهایش، عذر موجه داشته باشد مانند بیماری که روزه برایش ضرر دارد، روزهایی را که روزه نگرفته قضا میکند. مثلاً اگر پنج روز را خورده، پس از عید فطر پنج روز، روزه میگیرد.

۲- بیمار و مانند او که در طول سال تا ماه رمضان سال جدید و آینده، نتواند روزه بگیرد قضا بر او واجب نمی شود و در عوض بابت هر روزی که خورده حدود (۸۷۰) گرم به فقیر طعام میدهد مثلاً: گندم یا خرما یا برنج یا دیگر حبوبات. این را (فدیة) نامند.

۳- اگر کسی از روی عمد و قصد و از روی گناه و نافرمانی و بدون اینکه عذر و بهانه‌ای داشته باشد، روزه خواری کند قضای هر روزی که خورده است بر او واجب میشود و علاوه بر آن باید بابت هر روزی که عمداً روزهایش را خورده، كفاره دهد.

یعنی یا دو ماه پیوسته روزه بگیرد یا برای هر روز به ۶۰ فقیر هر کدام حدود (۸۷۰ گرم) طعام بدهد.

پس اگر دو روز از روی عمد و قصد روزه خواری کرد بر او واجب است که آن دو روز را بعد از عید قضا کند و چهار ماه هم روز بگیرد و یا به یکصد و بیست فقیر طعام بدهد و میتواند بابت یک روز، روزه خواری دو ماه روزه بگیرد و بابت دیگری به شصت فقیر طعام بدهد. اینجا مسائل دیگری هست که در کتابهای مفصل فقهی ذکر شده است.

مسئله ۱۰۰: روزه گرفتن در روزهای عید فطر و عید قربان، حرام است.

زکات فطره

مقصود از زکاه فطره، طعام یا پولی است که سرپرست خانواده در روز عید فطر از سوی خود و هر عضوی از خانواده‌اش، حتی کودکان خردسال، به فقرا و بینوای مؤمن می‌دهد و مقدار واجب آن، تقریباً سه کیلو و نیم طعام یا قیمت معادل آن به ازای هر فرد از اعضای خانواده است. مثلاً اگر مجموع افراد خانواده با خود سرپرست آن پنج نفر، است روز عید فطر پیش از ظهر و قبل از برگزاری نماز عید حدود (۱۷،۵) کیلو گندم، یا خرما، یا برنج، یا دیگر حبوبات، یا قیمت آن را به مؤمن فقیر می‌دهد و اگر پول می‌دهد، بایستی طعامی را که قیمت آن را می‌دهد مشخص کند که خرما یا گندم یا برنج یا... است.

مسئله ۱۰۱: هرکس از سادات و بنی هاشم نباشد نمیتواند فطره‌اش را به فقیر و بینوای هاشمی بدهد. و مقصود از هاشمی فرزندان هاشم جدّ و نیای حضرت رسول ﷺ است یعنی فرزندان علی علیه السلام و اولاد عقیل و اولاد عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر نوادگان هاشم.

زکات

زکات از واجبات اسلام است که در قرآن کریم و سنت شریفه، بر آن تاکید زیادی شده است و دو قسم است:

۱ - زکات مال که در نه چیز واجب می شود. طلا و نقره مسکوک، چهار پایان: شتر، گوسفند، گاو و گاو میش و غلات چهارگانه: گندم، جو، خرما و کشمش و احکام تفصیلی هریک را در کتابهای مفصل فقهی بجوئید.

۲ - زکات فطره، که احکام آن گذشت.

خمس

خمس حقی است که خدای متعال آن را واجب کرده و قرآن بر آن صراحت دارد و سنت نیز بر آن دلالت میکند. در حدیثی، امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند خدا برای مؤمنان در روزیشان، بسیار آسان گرفته که در پنج درهم، یک درهم برای خویش منظور فرموده است و مؤمنان چهار درهم دیگر را حلال و پاکیزه بخورند. سپس فرمود این سخن ما، دشوار و بسیار سخت است و به آن عمل نمیکند و بر آن صبر ننمایند مگر کسی که دلش با ایمان، آزموده شده باشد^(۱).

خمس در هفت مورد واجب میشود که فقط به دو مورد اشاره می‌کنیم.

اول: مال آمیخته به حرام طوری که بخش حلال از حرام، شناخته نمیشود و صاحب آن نیز مقدار حرام یا حلال را نمیداند. در این موقع اگر یک پنجم آن مال را پردازد بقیه آن، برای صاحبش باقی میماند و حلال است.

دوم: باقی مانده درآمد و سود سالانه شخص از مصارف

(۱) وسائل الشیعه ج ۹ ص ۴۸۵.

شخصی خانوادهاش خمس دارد و باید سر سال خممش را بپردازد. مگر ارث که خمس ندارد.

مسئله ۱۰۲: خمس دو قسمت می شود. نیمی از آن، سهم امام علیه السلام و نیم دیگر سهم سادات نام دارد و در هر دو مورد بایستی به مجتهد عادل و آشنا به موارد مصرف آن و مورد وثوق، مراجعه شود.

مسئله ۱۰۳: مجتهد عادل باید آن را در مصارف شرعی، مصرف کند و سهم امام علیه السلام را هم بایستی در جاهایی مصرف کند که رضایت امام مهدی علیه السلام را برای صرف خمس در آن احراز کند. مانند:

الف - نشر تعالیم دین اسلام و یاری رساندن به طلاب علوم دینی و مبلغین متدین اسلامی که سودمندند و به درس و تدریس و تبلیغ دینی و خدمت رسانی به مردمان با ایمان می پردازند.

ب - برطرف کردن نیازهای ضروری مؤمنین و متدینین بینوا که جز با این حق شرعی، رفع نمیشود و اوضاعشان سامان نمییابد. اما سهم سادات را فقط به مؤمنین فقیر بنیهاشم میتوان داد.

و چنان که پیشتر ذکر شد حدود همه اینها را مجتهد عادل و آشنا به مصارف شرعی و مورد وثوق، تعیین میکند. پس هیچکس بدون مراجعه به او نمیتواند اقدامی کند. در اینجا مسائل زیادی مطرح است که در کتابهای فقهی، مذکور است.

پرسش‌ها

- ۱ - آیا انسان پیش از آن که بداند آفتاب غروب کرده
میتواند افطار کند؟
- ۲ - اگر بلغم و خلط سینه به فضای دهان برسد فرو بردن
آن جایز است؟
- ۳ - اگر فراموش کنیم که روزه هستیم و آب بخوریم آیا
روزه باطل می شود؟
- ۴ - چه کسانی می توانند روزه نگیرند؟
- ۵ - مسافر در چه شرایطی افطار می کند.
- ۶ - مقدار فدیة چقدر است؟
- ۷ - كفاره چقدر است و بر چه کسانی واجب می شود؟
- ۸ - آیا تا کنون خمس داده‌اید؟
- ۹ - خمس را به چه کسی می‌دهید؟

درس سی و یکم:

امر به معروف و نهی از منکر

این دو از واجباتی است که اسلام بر آنها تأکید دارد.
خدای متعال فرموده:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۴).

بایستی از شما، مردمی باشند که به خیر و نیکی فرا خوانند
و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و اینان رستگارانند.

در حدیث شریف آمده است: امر به معروف و نهی از
منکر را ترک نکنید و گرنه بدان و اشرار بر شما حکمرانی میکنند
و هر چه دعا کنید مستجاب نخواهد شد.

پس همانگونه که بر هر انسانی لازم است نسبت به
واجبات، متعهد باشد و محرمات را ترک کند واجب است کسی
را که در انجام دادن واجبات، سستی میکند امر به انجام دادن
آنها کند و کسی را که گناه می کند از آن منع و نهی نماید. و ما
در صفحات آتی، شماری از واجبات و کارهای نیکو را به عنوان
زمینه بحث ذکر میکنیم. هم چنان که بعضی از کارهای حرام

واعمال زشت را که در شأن انسان والا، نیست یاد می آوریم. از مثالهای بخش نخست که «معروف» باشد عبارت است از:

۱ - توکل به خدای متعال و طلب یاری از او ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق: ۳): هر کس به خدا توکل کند، خدا او را بس است.

۲ - نماز، روزه و خمس و دیگر فروع دین که بر هر مسلمان است که نسبت به آنها متعهد باشد.

۳ - صبر و شکیبایی که انواعی دارد.

الف - صبر بر بلا و لازم است انسان هنگام گرفتاری مثل بیماری، زندان، بینوایی و تهیدستی و امثال آن، صبر پیشه کند و سخنی ناروا به زبان نیاورد تا بتواند به اجر و پاداش صابران برسد. خدای متعال فرموده: ﴿إِنَّمَا يُوفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (زمر: ۱۰) صابران و شکیبایان اجرشان را بی حساب دریافت می کنند.

در حدیث از رسول خدا ﷺ آمده است: «صبر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر در طاعت و صبر در معصیت و گناه».

و معنای صبر آن نیست که انسان برای رفع گرفتاری و اذیت و آزار، کوشش نکند بلکه بر عکس مثلاً برای مریض لازم است که به پزشک مراجعه کند تا بهبودی یابد و اگر شفا نیافت

یا شفافیت طول کشید صبر کند و بیتابی ننماید. همچنین شخصی که دچار فقر شده لازم است (از راههای معقول و شرعی) خود را از آن خلاص کند و اگر به هر سببی سعی و کوشش او نتیجه نبخشند، سخن ناروا نگوید و ناله و زاری ننماید و کاری که شایسته یک مسلمان نیست انجام ندهد. بلکه صبر و تحمل کند تا به پاداش صابران دست یابد.

ب - صبر بر طاعت: مانند آن که روزه دار در ماه رمضان، تشنه میشود لیکن صبر میکند و روزهایش را به پایان میرساند. یا مانند سر باز مجاهدی که در راه خدا سختی های جنگ را بر خود هموار میسازد.

ج - صبر بر معصیت و گناه: مثل این که کسی نیاز شدیدی به مال دیگران پیدا کند اما صبر پیشه میکند و دزدی نمیکند چون حرام است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: در روز قیامت گردنهایی افراخته شود و جماعتی از میان مردم قد برمی افرازند و تا درگاه بهشت می آیند و حلقه های آن را به صدا در میآورند. به آنان گفته میشود: شما کیستید؟ در پاسخ گویند: ما اهل صبر و شکیبایی هستیم. باز به آنان خطاب می شود که شما به چه چیز صبر کردید؟ در جواب گویند: ما بر طاعت و فرمانبرداری خدا و دوری از گناه و نافرمانی

او صبر کردیم. آنگاه خدا عزوجل می فرماید: راست گفتند. آنان را وارد بهشت کنید و این است آنچه خدای متعال فرمود: صابران و شکیبایان اجرشان را بی حساب دریافت می کنند. ^(۱) (زمر: ۱۰).

۴- اخلاق نیک: اخلاق مسلمان باید با خانواده‌هاش و مردم، خوب باشد. بزرگترها را احترام کند و با کوچکترها مهربان باشد. به کسی اهانت نکند و به مردم آزار نرساند. با قیافه عبوس با آنان، برخورد نکند. صدایش را بالا نبرد و همسایه‌ها را نیازارد و همه‌ی اینها را برای رضای خدا انجام دهد.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «علیکم بحسن الخلق».:: بر شما است که خوش اخلاق باشید زیرا خوش اخلاق، حتماً در بهشت خواهد بود و پرهیزید از بد اخلاقی و تندخویی که ناگزیر اشخاص بد اخلاق، در دوزخ خواهند بود.

رسول خدا ﷺ در حدیث دیگر فرمودند: «اقر بکم منی مجلساً یوم القیامة احسنکم خلقاً و خیرکم لأهله»:

در روز قیامت، نزدیکترین شما به من و جایگاه من خوش اخلاقتین شما و بهترین شما برای خانواده اش است.

خواننده‌ی عزیز! آیا نمی خواهی در بهشت، نزدیک رسول الله ﷺ باشی.

(۱) محمد بن یعقوب کلینی، الکافی ج ۲/ص ۷۵.

درس سی و دوم:

۵- مساعدت و کمک رسانی به مؤمنان فقیر و یتیمان
ویسرپرستان و هر نیازمند تا بدین ترتیب خداوند هم با شما
مهربان باشد و از شما خوشنود گردد.

در حدیث آمده: رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام سفارش
کردند و فرمودند: «یا علی! هر کس به یک یتیم کمک مالی کند
و او را بیناز کند، بهشت برای او واجب میشود». عزیز من با
کمک مالی به یتیم، بهشت را از آن خود کنید.

وامام باقر علیه السلام فرمودند: «در هر کس چهار خصلت وجود
داشته باشد خدا برایش خانه‌ای در بهشت سازد: یتیم را پناه دهد و
نسبت به ضعیف و ناتوان مهربان باشد و دلسوز پدر و مادر باشد و
برایشان هزینه کند و با برده و خدمتکار زیر دستش، مدارا نماید».

ورسول خدا ﷺ فرمودند: «مؤمنان برادران یکدیگرند
نیازمندیهای یکدیگر را برطرف می کنند... من هم در روز
قیامت حاجتهای ایشان را بر آورم».

۶- احترام به پدر و مادر کاری نیک و یک وظیفه است و
مسلمان باید احترامشان را نگه دارد و سخنشان را بشنود و طوری
رفتار کند که با احسان و نکویی سازگار باشد و هرگز بر ایشان

سرکشی نکند، خدای تعالی فرمود: ﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (اسراء: ۲۳): «به آنان، اف نگو و تندی مکن و به ایشان سخنی بزرگوارانه بگو». در حدیث آمده است: «بهشت زیر گامهای مادران است». پس اگر مادر و پدرت را احترام کنی و آنان از شما خوشنود باشند ان شاء الله، مستحق بهشت خواهی بود.

۷ - نظافت و پاکیزگی:

همه انواع پاکی و تمیزی مورد سفارش اسلام و همه انواع آلودگی و کثیفی مورد نهی اکید اسلام است. پیامبر ﷺ فرمودند: «تا می توانید، تمیز و پاکیزه باشید زیرا اسلام بر نظافت استوار است و فقط انسان پاک و پاکیزه در بهشت پای خواهد نهاد».

و نیز فرمودند: «انسان آلوده بد بندهای است». و از امام علی ﷺ نقل شده که فرمودند: «جامه پاکیزه غم و اندوه را از بین می برد و پاکیزگی نماز است». در برخی احادیث میان فقر و فلاکت و کثیفی و پلشتی را به هم مربوط دانسته اند. امام علی ﷺ فرمودند: «خانههای خود را از تارهای عنکبوت، تمیز کنید که باعث فقر و بینوایی میشود».

در حدیث دیگر، امام باقر ﷺ فرمودند: «جارو کردن خانهها، فقر را میزداید».

در این باره احادیث فراوان داریم که به نظافت، پاکیزگی و به کار بردن عطر و بوی خوش تشویق میکنند و از آلودگی و پلشتی بر حذر میدارند و جای بسی افسوس است که با وجود این سفارشات دینی، بسیاری از مسلمانان را میبینیم که به نظافت شخصی خود اهمیت نمیدهند و در خانهها، جادهها و شهرهایشان، زباله و کثافت، پخش شده است. چیزی که فقر و بیماریهایی را به دنبال دارد و چهره اسلام و مسلمانان را، بد ترسیم میکند، لازم است همگی در رعایت نظافت و تمیزی به همه اشکال آن بکوشیم و دیگران را نیز به آن تشویق نمایم تا تعالیم و آموزههای اسلام جلوهرگر شود.

کارهای شایسته و صفات و خصلتهای پسندیده دیگر هم هست که در کتابهای مفصل، ذکر شدهاند.

اما نمونه هایی از قسم دّوم، یعنی منکرات:

۱ - ظلم و ستم و تعدی و تجاوز به دیگران
از بزرگترین گناهان است. امام باقر علیه السلام فرمودند: «الظلم في الدنيا ظلمات في الآخرة» ظلم و ستم در دنیا، ظلمات در آخرت است.
امام حسین علیه السلام در روز عاشورا فرزندشان امام زین العابدین را وصیت کردند و فرمودند: «يا بني اياك و ظلم من لا يجد عليك ناصراً إلا الله». فرزندم! بپرهیز از ستم کردن به کسی که جز خدا فریاد رسی بر تو ندارد.

علاوه بر آن، دعای مظلوم در حق ظالم مورد اجابت قطعی
خدای متعال است. که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «دعوة المسلم المظلوم مستجابة» دعای مسلمان ستم دیده مستجاب است.

و از موارد ظلم حرام تجاوز و تعدی پدران در حقوق
فرزندانشان یا تعدی فرزندان نسبت به اولیایشان یا تعدی شوهر
بر همسرش و سوء استفاده از ضعف او و بر عکس یا تعدی برادر
بزرگ به برادر یا خواهر کوچکترش است. همه اینها مصادیق
ظلم است که اسلام به شدت از آن نهی کرده است. و نیز مجبور
کردن پدر، دخترش را به ازدواج با کسی که خود تمایلی به
ازدواج با او ندارد.

۲ - یاری ستمگران به هر اندازه که باشد هر چند بسیار

جزئی، حرام و منکر است. در حدیث آمده است: «کم‌ترین چیزی که خدا با یاران ستمگران میکند آن است که آنها را در خیمهای آتشین نگاه میدارد تا از حساب خلایق فارغ شود [و نگاه به آنان پردازد]. و خدای متعال فرمود: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبُرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (المائدة: ۲) بر نکویی و پارسایی یار هم باشید و به گناه و دشمنی کمک نکنید.

۳- دروغ شرعاً حرام است و گاهی به یک بیماری روانی تبدیل میشود که انسان به آن دچار میشود. گاه انسان به دروغگویی عادت میکند و این اعتیاد او را در میان مردم رسوا میکند و دیگر کسی به گفتههایش اعتنایی نمیکند و شخص اعتبارش را به کلی از دست میدهد و چنین حالتی مناسب یک مسلمان نیست.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «دروغ آفت ایمان است».

پس یک مسلمان، چگونه راضی میشود که با دروغ، ایمانش را ویران سازد؟!!

درس سی و سوم:

۴ - غیبت مردم با ایمان، گناه و منکر است. غیبت یعنی این که عیب پوشیده‌ی مؤمنی را فاش کنیم و بدین ترتیب او را از نظرها بیاندازیم. پس اگر دانستی که دوست خطایی کرده آن را برای دیگران باز مگو تا کرامت و حرمت او مخدوش نشود. بهتر است به جای غیبت و بدگویی او را پند دهیم تا آن کار بد را دوباره انجام ندهد و اگر تکرار کرد پدر و یا شخص بزرگتری را آگاه سازیم تا جلوی او را بگیرند و او در میان مردم، رسوا نشود.

مسئله ۱۰۳: چند جا غیبت جایز است.

الف - کسی که به گناه و فسق و فجور تظاهر می کند، به همان مورد ارتکاب احترامی ندارد و به غیبت او در همان مورد جایز است.

ب - کسی که به او ظلمی شده است می تواند آن را برای مردم بازگوید هر چند مستلزم غیبت ظالم باشد.

ج - کسی که در دین بدعت می گذارد، غیبتش جایز و فاش کردن بدعتش لازم است تا مردم از او بر حذر باشند و تحت تأثیر او قرار نگیرند.

۵ - معاشرت با کسانی که تعهد دینی و اخلاقی ندارند، منکر است و لازم است انسان آنان را پند دهد و امر به معروف

و نهی از منکر کند و اگر سود نبخشید رهایشان سازد تا تحت تأثیر رفتارهای آنان قرار نگیرد.

در حدیث آمده که امیر مؤمنان علیه السلام وقتی بر منبر می رفتند می فرمودند: «شایسته است که مسلمان از دوستی با سه تن بر حذر باشد: کسی که به لهو و لعب و کارهای زشت مشغول است و شخص احمق و کودن، که چیزی نمی فهمد و دروغگو».

۶- دشنام و الفاظ رکیک به زبان آوردن، برای یک مسلمان، سزاوار نیست. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «ان الله حرم الجنة على كل فحاش بذئ قليل الحياء»: همانا خدا بهشت را بر هر فحشگو و بددهن کم حیا، حرام فرموده است.

یعنی: کسی که به تلفظ الفاظ رکیک و سخنان زشت عادت کرده، در بهشت جایی ندارد و باید چنین شخصی را نصیحت کنیم و اگر پند و اندرز نپذیرفت باید او را رها کرد تا بیماریش به شخص دیگر سرایت نکند و بهشت را از دست ندهد.

۷- خشم و غضب: اشخاص بسیاری را دیده‌ایم که کارهایی دور از شأن خود انجام میدهند و اگر اعتراضی به کارشان شود گویند: «عصبانی بودم» اما این عذر شرعاً پذیرفته نیست. امام صادق علیه السلام فرمودند: «الغضب مفتاح کل شر»: خشم، کلید هر بدی است. زیرا کارهای توأم با عصبانیت از روی عقل نیست و انسان در اثر خشم و انفعال آماده‌ی انجام دادن کارهای ناشایست است.

۸- طمع: عبارت است از این که انسان از آنچه خدا داده راضی و خشنود نباشد و به دست مردمان چشم دوزد. چنین کاری شایسته‌ی یک مسلمان نیست بلکه او بدینوسیله در دنیا و آخرت خسارت و ضرر میبیند. در دنیا خسارت میبیند چون نعمتهایی که خدا به وی داده برایش گوارا نیست و همواره فزون طلب است و در آخرت خسارت و زیان میکند زیرا ممکن است همین طمع او را به دشمنی، خیانت و ارتکاب جرم و گناه وا دارد.

۹- استمناء. یعنی انسان، اعم از مرد یا زن، ضمن بازی با آلت خود یا به هر نحوی جز آمیزش از خود منی بیرون آورد.

۱۰- بی بندوباری. زن اگر متانت خود را حفظ نکند و پوشش را رعایت ننماید در روز قیامت، مستحق عذاب سختی خواهد بود. رسول خدا ﷺ فرمودند: «هنگام معراج زنانی را دیدم که از مو آویزان است و در عذاب و شکنجهای سخت قرار دارند. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) علت را پرسیدند. پیامبر ﷺ فرمودند: چون که موهای خود را از نامحرم نمیپوشاند».

در حدیث دیگر، پیامبر ﷺ از آرایش کردن زن برای غیر شوهر خود، نهی فرمودند و اضافه کردند که اگر چنان کند خدا عزوجل حق دارد او را با آتش بسوزاند^(۱).

(۱) مراجعه شود به محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۳.

۱۱ - کسالت و بی حالی و تنبلی، موجب خسران دنیا و آخرت انسان میشود چرا که چنین کسی در انجام وظایف و منافعش کوتاهی میکند.

امام کاظم علیه السلام در وصیت به فرزندشان فرمودند: «ایاک و الکسل والضجر فإنها یمنعانک حظک من الدنیا و الآخرة» از کسالت و بیحوصلگی دور باش که از بهره‌های دنیا و آخرت باز میدارند.

انسان باید همواره بانشاط و شاداب باشد و همیشه همّت بلند داشته باشد تا در زندگی موفق و در آخرت به درجات بالا نایل شود.

۱۲ - ریا: ریا حرام است. ریا یعنی هدف انسان از عبادت، تعریف و تمجید مردم باشد نه اطاعت خدا و تقرب به او. ریا از بزرگترین محرمات است و ریا کار بهره‌دنیوی و اخروی خود را از دست می‌دهد و دچار خسران در هر دو سرا میشود.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: ریا کار با چهار اسم و عنوان، صدا میشود: «یا کافر، یا فاجر، یا غادر، یا خاسر! حبط عملک و بطل اجرک فلا خلاص لک الیوم فالتمس اجرک من کنت تعمل له». «ای کافر، بدکار، فریبکار، زیانکار عملت پوچ شده و پاداشت از بین رفته است. امروز خلاصی نداری. برو اجر و مزد خود را از کسی بطلب که برای او عمل انجام دادی».

۱۳ - غش و فریبکاری: و آن این است که چیزی بر خلاف حقیقتش نشان داده شود مثلاً کالای پست و کم ارزش، به جای کالای عالی و ارزشمند، جلوه داده شود. پیامبر ﷺ فرمودند: «أَلَا وَمِنْ غَشِّنَا فُلَيْسَ مِنَّا».. آگاه باشید هر کس به ما غش کند از ما نیست و این جمله را سه بار تکرار فرمودند. این بود چند نمونه از کارهای معروف و خوب اعم از واجب و مستحب و نمونه هایی از منکر و اعمال زشت از حرام و مکروه. ناگفته پیداست که امر نمودن به واجب و نهی کردن از حرام، واجب است و امر نمودن به مستحب و نهی کردن از مکروه بی آنکه واجب باشد، خوب و پسندیده است.

پرسش‌ها

- ۱- پنج معروف را بشمرید و ببینید کدام یک از آنها در شما هست.
- ۲- ده مورد از منکرات را برشمرید.
- ۳- آیا منکر در وجود خود سراغ دارید؟ اگر آری، آیا تصمیم گرفته اید آن را ترک کنید؟
- ۴- حدیثی را درباره‌ی فحش و ناسزاگویی، ذکر کنید.
- ۵- حدیثی را پیرامون معاشرت با دستان نیک، ذکر کنید.
- ۶- حدیثی را در خصوص ظلم و ستم، بگویید.
- ۷- ضرر و زیان خشم چیست؟ حدیثی در آن باره بگویید؟
- ۸- حدیثی در مورد به عذاب بی حجابها، بگویید.
- ۹- اگر دوستان دروغ گفت چگونه او را پند می‌دهید که دروغ را کنار گذارد.
- ۱۰- حدیثی درباره‌ی یاران ستمکاران، بگویید.
- ۱۱- آیا به نظافت تن، جامه و تختخوابتان، اهمیت می‌دهید؟
- ۱۲- آیا اطاق، خانه، محله و شهری که در آن زندگی میکنید تمیز است؟ آیا در نظافت آنها با دیگران سهیم هستید و یاریشان می‌کنید؟ اگر نمی‌کند، پس از این حتماً با سایر اعضای خانواده یا هم محلهایها، همکاری می‌کنید؟
- ۱۳- آیا تاکنون شده است که اعضای خانواده یا دوستانتان را درباره نظافت و پاکیزگی، اندرز دهید؟

درس سی و چهارم:

احکام حجاب و پوشش

مسئله ۱۰۴: دست دادن دختر و پسر بالغ جایز نیست مگر آن که به هم محرم باشند. محارم عبارتاند از:

پدر، مادر، جد و نیای پدری و مادری، عمو، دایی، عمه و خاله. فرزندان.

شوهر و پدرش و پسرش.

همسر و مادرش و دخترش.

عموها، داییه‌ها، عمه‌ها و خاله‌های پدر.

عموها، داییه‌ها، عمه‌ها و خاله‌های مادر.

برادر و خواهر و فرزندان‌شان.

بنابر این، مرد نمیتواند به زنی جز محارم خود دست بدهد و هیچ زنی هم نمیتواند با مردی جز محرم خود دست دهد.

مسئله ۱۰۵: خواهر همسر، از محارم انسان نیست پس دست دادن با او حرام و او هم باید و در مقابل شوهر خواهرش حجاب را رعایت کند.

مسئله ۱۰۶: بر زن و دختر بالغ واجب است حجاب داشته باشد و تمام اندام خود را از نامحررها بپوشاند. جز صورت و کف دودست. و به احتیاط واجب پاها را نیز بپوشاند.

مسئله ۱۰۷: زن میتواند از محارم خود رو نگیرد چه این محارم نسبی باشند چه سببی. اما پوشاندن عورت به هر حال واجب است. و نیز، بنا بر احتیاط واجب، باید از هرگونه بی بند و باری و عریانی و تحریک کنندگی برحذر باشد.

درس سی و پنجم:

نذر و قسم

مسئله ۱۰۸: اگر مسلمانی بالغ، چه زن و چه مرد، برای انجام کاری به نام خدا قسم بخورد یا چیزی را برای خدا نذر کند واجب است به آن عمل نماید و اگر نکرد گناه کرده و کفاره بر او واجب می شود و باید از گناهِش نیز توبه کند.

مسئله ۱۰۹: تحقق نذر و قسم شرایطی دارد که از آن جمله است:

۱ - قسم یا نذر را بر زبان آورد و قصد و نیت قلبی به تنهایی کافی نیست.

۲ - هر دو بایستی برای خدا و با نام او باشد. مثلاً کسی که سوگند میخورد بگوید: «به خدا چنین کنم» یا نذر کننده بگوید: «برای خدا بر گردن من است که چنان کنم» اما نذر و قسمی که به نام پیامبر ﷺ یا قرآن کریم یا کعبه مشرفه و یا امام علیؑ انجام شود قسم و نذر شرعی نیست و در صورت مخالفت کفاره لازم ندارد بلکه نوعی تعهد اخلاقی است و بهتر است که به آن عمل شود.

۳ - قسم فرزند جز با اجازه پدر، واقع نمیشود همچنان که قسم همسر جز به اذن شوهر تحقق نمیابد. بر خلاف نذر که بدون اجازه و اذن پدر و شوهر، مادامی که با حقوق آنان در تعارض نباشد، واقع میشود.

۴ - مورد نذر و قسم باید رجحان شرعی داشته باشد. یعنی امری واجب و مستحب و کار سودمندی باشد اما نذر و قسم به کار حرام و مکروه یا کار زیان آور و امثال آن، تعلق نمی گیرد. پس هرکس قسم خورد که شراب بنوشد یا سیگار بکشد، یا نماز نخواند یا یک کار بیهوده انجام دهد، قسمش واقع نمیشود.

۵ - کسی که قسم میخورد یا نذر میکند باید شخصی دارای اختیار بوده و مفهوم کلامش را قصد کند. پس اگر ظالم و ستمگری، انسان را به قسم وادارد یا در حال مستی و بیارادگی، سوگند یاد کند، قسم یا نذرش اثر ندارد.

مسئله ۱۱۰: هرگاه شرایط صحت قسم و نذر، بوجود آمد و صاحب قسم و نذر از روی علم و عمد، آن را شکست و عمل نکرد معصیت کرده و واجب است توبه کند و کفاره بپردازد. کفاره ده مسکین را طعام دادن است یا سیر کردن شکم آنان یا پرداختن حدود (۸۷۰) گرم طعام (که به احتیاط واجب باید گندم یا آرد یا خرما باشد) یا پوشاندن آنان با خرید لباس کافی است. و هرکس قدرت اطعام و دادن لباس را نداشته باشد سه روز، پشت سرهم روزه میگیرد.

مسئله ۱۱۱: اگر کسی به دروغ به وقوع امری در گذشته قسم بخورد گناه کرده است و باید توبه کند اما کفاره ندارد. قسم راست خوردن کراهت دارد و لازم است انسان از سوگندهای بیهوده که در بعضی محیطها، شایع است دوری گزیند.

درس سی و ششم:

طعام های حلال

حیوانها سه قسم اند:

اول: حیوانهایی که در آب زندگی می کنند. خوردن آنها جایز نیست مگر ماهیهای که پولک یا پوست (قشر) قابل کندن داشته باشند مثل میگو.

اما اگر فلس و پولک و یا قشر قابل کندن نداشت مانند نهنگ خوردن گوشت و روغنشان جایز نیست.

دوم: از میان حیوانات غیر دریایی خوردن گوشت شتر، گاو، گوسفند، بز و آهو حلال است و نیز گورخر و گاو وحشی و قوچ و میش کوهی. اما خوردن گوشت اسب، استر و درازگوش، کراحت دارد.

مسئله ۱۱۲: از حیوانات خشکی هر آنچه دارای دندان نیش باشد مثل شیر، روباه و همچنین حشرات مانند پشه، مورچه، زنبور عسل حرام است و نمیتوان آنها را خورد و همینطور مار، گربه، خرگوش، سوسمار و غیر آنها که در کتب مفصل فقهی ذکر شده، حرام است.

سوّم: پرندگان. اگر به پرواز پرندگان نگاه کنی میبینی دو گونه‌اند. بعضی هنگام پرواز کردن بال میزنند و در بیشتر اوقات پرواز بال‌هایشان حرکت میکند و بعضی دیگر بیشتر اوقات پرواز بال‌هایشان ثابت است. خوردن گوشت نوع اول، مانند گنجشک و کبوتر و... حلال و خوردن گوشت نوع دوم، مانند باز و عقاب و... حرام است. و نیز گوشت شب پره، طاووس، زاغ و همه پرندگان درنده و گوش‌تخوار مانند انواع بازهای شکاری و عقاب و... حرام است. اما خوردن پرندگان آبی که هر چندگاه ماهی میخورند حلال است.

مسئله ۱۱۳: خوردن حشرات پرنده مانند زنبور، مگس و پشه، حرام است.

مسئله ۱۱۴: خوردن دنبان و طحال گوسفند حرام است و احتیاط واجب آن است که مغز استخوان ستون فقرات (نخاع) نیز خورده نشود اما مغز دیگر استخوانها را میتوان خورد. البته مباحث دیگری نیز هست که در کتابهای فقهی بررسی شده است که مراجعه شود.

درس سی و هفتم:

مسئله ۱۱۵: خوردن هر آنچه به نجاست آلوده شده حرام است. خوردن گِل هم حرام است جز اندکی (به قدر نخود) از تربت امام حسین علیه السلام به قصد شفا. و خوردن سوخته‌های اندک نان حرام نیست.

مسئله ۱۱۶: خوردن شراب و هر مستی‌آورد حتی اگر پاک هم باشد حرام است. چنانکه خوردن آب انگور جوشیده تا وقتی دوسومش بخار نشده حرام است.

مسئله ۱۱۷: مستحب است قبل از شروع به خوردن غذا، دستها را بشوییم و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوییم و با دست راست بخوریم و پس از آن دستها را بشوییم و خدای متعال را سپاس گوئیم. و نیز مستحب است بعد از خوردن غذا دندانها را خلال کنیم و مسواک بزنییم تا باقیمانده غذا، که لابلای دندانها مانده، از بین برود.

تذکيه

تذکيه، کاری است که بوسیله آن گوشت حیوان حلال می شود.

مسئله ۱۱۸: اگر ماهی را زنده از آب بیرون آوریم خوردنش حلال است و تذکيه میشود و مسلمان بودن صیاد، هم شرط نیست. پس اگر نامسلمان ماهی را زنده از آب بیرون آورد حلال است. تفصیل را در کتب مفصل بخوانید.

مسئله ۱۱۹: خوردن گوشت پرندگان و حیوانات خشکی (جز شتر) مگر با ذبح شرعی و ذبح شرایطی دارد که مهمترین آنها پنج تا است:

- ۱ - ذبح کننده، مسلمان باشد.
- ۲ - ذبح با کارد آهنی، انجام شود.
- ۳ - چهار رگ گردن حیوان، بریده شود که عبارتند از: مری (مجرای طعام)، حلق (مجرای تنفس که زیر مری است)، و دو رگ دیگر که در دو طرف حلق و مری قرار دارند.
- ۴ - رو به قبله کردن حیوان هنگام ذبح.
- ۵ - ذکر نام خدا هنگام ذبح. مثل اینکه بگوید: (بسم الله) یا (الله اکبر) یا مانند اینها.

والحمد لله رب العالمين

پرسش‌ها

- ۱ - محارم انسان، چه کسانی هستند؟
 - ۲ - پرندگان حلال گوشت کدامند؟
 - ۳ - آیا خوردن دنبان و طحال گوسفند حلال است؟
 - ۴ - اگر نامسلمان، ماهی را صید کند، آیا خوردن آن جایز است؟
 - ۵ - شرایط ذبح حیوان خشکی را ذکر کنید.
 - ۶ - و بالاخره آیا مسائل و احکامی که ذکر کردیم، برایتان مفید بود؟
- آفرین به تو.

خاتمه

بدین ترتیب، این دوره خلاصه فقهی به پایان می‌رسد.
دوره‌های که آنرا در موقعیت استثنایی و تحت شرایط بسیار سختی
با هدف بالا بردن سطح آگاهی فقهی و اسلامی جوانان و نوجوانان
نوشتیم.

از خدای تعالی خواستاریم که همه را توفیق عمل به احکام
آیین پاک و حنیف و خدمت به ملت و آیین خود عطا کند که او
پاسخگوی دعاهاست.

زندانه‌های انفرادی زندانیان ویژه

زندان ابوغریب

سید ریاض حکیم

۱۴۰۹ هـ. ق

فهرست

۲	اهدا
۵	مقدمه
۹	اصول دین
۱۳	فروع دین
۱۴	پرسش‌ها
۱۷	نشانه‌های بلوغ شرعی
۱۹	تقلید و اجتهاد
۲۲	پرسش‌ها
۲۳	نجاسات، ناپاکها
۳۱	مطهرات، پاک کننده‌ها
۴۱	پرسش‌ها
۴۳	وضو
۴۳	چگونگی وضو
۴۹	شرایط وضو
۵۱	مبطلات وضو

۵۵	تیمم
۵۵	موجبات تیمم
۵۹	چگونگی تیمم
۶۱	پرسشها
۶۳	نماز
۶۶	اوقات و تعداد نمازها
۶۷	لباس نمازگزار
۷۰	مکان نمازگزار
۷۳	قبله
۷۴	چگونگی نماز
۷۴	اذان و اقامه
۷۵	چگونگی اذان و اقامه
۷۸	واجبات نماز
۸۹	باطل کنندههای نماز
۹۳	شکهایی که نماز را باطل نمی کند
۹۶	نماز جماعت
۹۷	شرایط نماز جماعت

۱۰۰	احکام نماز جماعت
۱۰۱	نماز جمعه
۱۰۳	نماز مسافر
۱۰۴	نماز قضا
۱۰۵	نماز آیات
۱۰۷	نافلهای
۱۰۸	پرسشها
۱۰۹	روزه
۱۱۰	مفطرات
۱۱۳	حالاتی که باید افطار کرد
۱۱۵	قضا، فدیة، كفارة
۱۱۷	زکات فطره
۱۱۸	زکات
۱۱۹	خمس
۱۲۱	پرسشها
۱۲۳	امر به معروف ونهی از منکر
۱۳۸	پرسشها

۱۳۹ احکام حجاب و پوشش
۱۴۱ نذر و قسم
۱۴۳ طعامهای حلال
۱۴۶ تزکیه
۱۴۷ پرسشها
۱۴۸ خاتمه
۱۴۹ فهرست